



RESEARCH ARTICLE

Analysis of the Types and Characteristics of Corporate Welfare in the Legislation of Iran's Parliament (1997-2021)

Meisam Karimkhani¹, Ali Akbar Tajmazinani^{2*} 

1. Ph.D. Student of Social Welfare Planning, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Email: meisamkarimkhani@gmail.com

2. Associate Professor of Social Policy, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: tajmazinani@atu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103594>

Received: 1 May 2025

Accepted: 14 July 2025

ABSTRACT

This study aimed to examine the forms of corporate assistance embedded in parliamentary legislation, the objectives these measures pursue, and the mechanisms through which they are financed. To achieve this, a documentary research method and thematic analysis were employed to review legislative acts passed over a 25-year period. The findings revealed that corporate assistance takes various forms and is predominantly funded directly from public resources. However, these measures are often non-targeted, broad, ambiguous, and unconditional, lacking a defined industrial strategy. There is no evidence of effectiveness assessment, nor are there clear obligations for beneficiaries. These characteristics contribute to subjective decision-making, challenges in monitoring and evaluation, and reduced transparency in the allocation of corporate support. As a result, due to the absence of a comprehensive industrial policy, lack of precise targeting, unconditional nature of the aid, and the absence of assessment mechanisms, the effectiveness of these policies in fostering economic development and enhancing corporate competitiveness remains highly questionable.

Keywords: Corporate Welfare, Social Welfare, Corporate Welfare-State, Social And Corporate Welfare-State, Supportive Policies.

Citation: Karimkhani, Meisam; Tajmazinani, Ali Akbar (2025). Analysis of the Types and Characteristics of Corporate Welfare in the Legislation of Iran's Parliament (1997-2021). *Iranian Journal of Public Policy*, 11 (3), 28-51.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103594>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

بررسی و تحلیل گونه‌ها و ویژگی‌های رفاه شرکتی در مصوبات مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰-۱۳۷۶)

میثم کریم‌خانی^۱، علی اکبر تاج‌مزینانی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
رایانامه: meisamkarimkhani@gmail.com

۲. دانشیار سیاستگذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
* رایانامه نویسنده مسئول: tajmazinani@atu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103594>

تاریخ دریافت: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۲۳ تیر ۱۴۰۴

چکیده

این تحقیق بر آن است تا دریابد کمک به شرکت‌ها در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به چه اشکالی صورت می‌گیرد، چه اهدافی را دنبال می‌کند و چگونه تأمین مالی می‌شود. به این منظور، با بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی و تحلیل مضمون، مصوبات مجلس در یک بازه زمانی ۲۵ ساله بررسی شدند. نتایج نشان داد کمک به شرکت‌ها از تنوع قابل توجهی برخوردار است و عموماً به‌طور مستقیم از محل منابع عمومی تأمین مالی می‌شود؛ اما اغلب بدون هدف‌گذاری، کلی، مبهم و نامشروط بوده و فاقد یک استراتژی صنعتی مشخص است. اثری از ارزیابی اثربخشی کمک‌ها نمی‌توان یافت و برای گیرندگان تعهدی تعریف نشده است. ویژگی‌های مزبور موجب افزایش جهت‌گیری‌های سلیقه‌ای، دشواری نظارت و ارزیابی و کاهش شفافیت در اعطای کمک‌ها شده است. در نتیجه، به دلیل فقدان یک سیاست صنعتی مدون، نبود هدف‌گذاری دقیق، نامشروط بودن و نبود ارزیابی، موفقیت این سیاست‌ها در توسعه اقتصادی و افزایش رقابت‌پذیری شرکت‌ها مورد تردید جدی است.

واژگان کلیدی: رفاه شرکتی، رفاه اجتماعی، دولت-رفاه شرکتی، سیاست‌های حمایتی، مجلس شورای اسلامی.

استناد: کریم‌خانی، میثم؛ تاج‌مزینانی، علی اکبر (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل گونه‌ها و ویژگی‌های رفاه شرکتی در مصوبات مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰-۱۳۷۶). فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۱ (۳)، ۲۸-۵۱.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103594>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

ادبیات دولت-رفاه عمدتاً بر آن گروه از سیاست‌ها، برنامه‌ها و کمک‌های دولتی متمرکز است که حوزه‌هایی مانند آموزش، مسکن، سلامت و تأمین اجتماعی را شامل می‌شود. این اقدامات که عموم مردم و یا گروه(های) خاصی از مردم را هدف قرار می‌دهند، به‌طور خلاصه، تحت عنوان «رفاه اجتماعی» شناخته می‌شوند. این در حالی است که بخش دیگری از کمک‌های دولت که مشمول اشخاص حقوقی (یعنی شرکت‌ها) می‌شود و از قضا می‌تواند در مقام مقایسه از هزینه‌های رفاه اجتماعی نیز به مراتب بیش‌تر باشد - به‌دلایل متعدد - کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. به این نوع کمک‌های دولت به شرکت‌ها، اصطلاحاً رفاه شرکتی گفته می‌شود (Farnsworth, 2012). فروکاستن دولت-رفاه به نقش و اقدامات دولت در حوزه رفاه اجتماعی منجر به آن شده است که صرفاً اشخاص حقیقی یعنی مردم یا گروه(هایی) از مردم به‌عنوان ذینفع دولت-رفاه معرفی شوند. در حالی که شرکت‌ها نیز به درجات مختلف - و چه بسا بیش‌تر - به کمک‌ها و حمایت‌های دولتی نیازمندند. با این حال، این جنبه از دولت-رفاه که به تدارک و تأمین نیازهای شرکت‌ها می‌پردازد، تقریباً بعدی مغفول از دولت-رفاه است. به‌طوری که اصطلاح دولت-رفاه به اقدامات حمایتی و حفاظتی دولت از جامعه در برابر بازار در قالب برنامه‌های مختلف رفاهی تقلیل یافته است و کم‌تر پژوهش یا تحقیقی را می‌توان یافت که ساختار، برنامه‌ها، قوانین و نهادهای مرتبط با رفاه شرکتی در یک کشور خاص را به‌صورت موردی یا مقایسه‌ای بررسی کرده باشد. تحقیق‌های متعددی نیز که در ایران حول دولت-رفاه و نظام(های) رفاهی انجام گرفته عموماً پیرامون تاریخچه، روند، و انواع برنامه‌های مرتبط با رفاه اجتماعی و بارتاب آن‌ها در نظام حقوقی ایران هستند (Landinfo, 2020)، (Amiri, 2015)، (Tajmazinani, 2011)، (Ghaffari & Azizi-Mehr, 2012)، (Sharifzadegan, 2016)، (Badikhi, Masoud, & Atryan, 2022)، (Bavandpour, Gholami, & Doagooyan, 2023) و نمی‌توان تحقیقی را یافت که به بعد شرکتی دولت-رفاه یعنی قوانین، برنامه‌ها، و نهادهای مرتبط با رفاه شرکتی در ایران پرداخته باشد. البته پژوهش‌هایی وجود دارد که اثربخشی برخی از قوانین مرتبط با حمایت از شرکت‌ها را بررسی کرده باشد (Alizadeh, Mokhtari Hasan Abad, & Sadat Rasoul, 2024) اما پژوهشی که با رویکرد رفاه شرکتی کلیت کمک‌ها را در نظر گرفته باشد، مفقود است. از دیگر دلایلی که انجام پژوهش در زمینه رفاه شرکتی را ضروری می‌سازد، استتار هزینه‌های مرتبط با رفاه شرکتی است در حالی که مخارج مرتبط با رفاه اجتماعی عموماً شفاف هستند و ذیل سرفصل مشخصی از بودجه‌های سالانه قرار می‌گیرند و به‌همین دلیل، به‌سهولت قابل شناسایی هستند. در مقابل، هزینه‌های دولت در ارتباط با رفاه شرکتی چندان آشکار نیستند. لذا پژوهش در حوزه رفاه شرکتی این امکان را فراهم می‌کند تا ضمن صورت‌بندی ساختار و نظامات رفاه شرکتی، تصویر درستی از میزان هزینه‌کرد دولت در این بخش به دست آید. علاوه‌بر آن، شفافیت هزینه‌های مرتبط با رفاه اجتماعی و هم‌زمان استتار هزینه‌های رفاه شرکتی منجر به آن شده است مخارج رفاه اجتماعی همواره یکی از متهمان اصلی کسری بودجه دولت معرفی شوند و یا به آن‌ها به‌عنوان فرصتی برای کاهش هزینه نگاه شود. برای همین، کاهش مخارج مرتبط با برنامه‌های رفاه اجتماعی همواره یکی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده سیاست‌های ریاضت اقتصادی بوده و هست. به‌گونه‌ای که ماحصل بحث‌های خصوصی‌سازی، کوچک‌سازی دولت و مقررات‌زدایی منتج از اندیشه نئولیبرالیسم در نهایت به کاهش تعهدات اجتماعی دولت‌ها انجامیده است. برای نمونه، دولت در ایران از زمان اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی پیوسته و به‌طور فزاینده‌ای از نقش خود در تدارک آموزش و سلامت عمومی کاسته و به‌طریق مختلف خانوارها را به سمت خرید خدمات آموزشی و سلامت از بازار سوق داده است (Moghaddasi, Mirzaie, Omid, & Hashemi, 2024) و (Davoudi2024) که به افزایش نابرابری‌های آموزشی و سلامت نیز انجامیده است (Rahenejat, & Negarestany, 2024). در حوزه مسکن نیز وضع به همین ترتیب است و علی‌رغم تأکیدات قانونی، دولت‌های مختلف پس از انقلاب از تأمین مسکن اجتماعی برای گروه‌های آسیب‌پذیر هم‌چون زنان سرپرست خانوار، سالمندان و بازنشستگان بدون مسکن ملکی، افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی، و غیره به‌دلایلی چون مشکلات

مالی یا عدم اولویت شانه خالی کردند و برنامه‌های این حوزه به سرانجام مطلوب نرسیدند (Raheb, 2024). روند کاهش مداخله دولت در حوزه رفاه اجتماعی در ایران به موارد بودجه‌ای محدود نمی‌شود. حوزه‌هایی از رفاه اجتماعی که صرفاً به سیاست‌گذاری یا تنظیم مقررات نیاز دارند نیز شاهد این روند نزولی بوده‌اند. برای مثال، با وجود پیامدهای اجتماعی سهمگین نوسانات بازار اجاره مسکن، روند مداخله دولت‌های پس از انقلاب - حداقل تا دوران کرونا - در این بازار نزولی بوده است. به‌طوری‌که با تصویب قانون روابط موجر و مستاجر در سال ۱۳۷۶، دولت به سمت آزادی اراده طرفین در قراردادهای اجاره حرکت کرد و نقشی درخور در تنظیم قیمت اجاره مسکن و نیز حمایت از مستاجر برعهده نگرفت (Toosi, & Kashani, 2019). این در حالی است که در اقتصادهای سرمایه‌داری اروپای غربی و حتی ذیل دولت‌های نئولیبرال شاهد انواع مداخلات دولت در بازار اجاره مسکن از جمله کنترل اجاره بها، قوانین حمایت از مستاجران شامل ممنوعیت اخراج‌های ناگهانی، ایجاد شرایط برای اقامت بلندمدت مستاجران، الزام مالکین به رعایت استانداردهایی برای کیفیت مسکن، و غیره هستیم (Kettunen & Ruonavaara, 2020). با این‌که ساختار نهادی و برنامه‌های رفاه اجتماعی در ایران به‌خوبی تبیین‌شده و افزون‌بر آن، عقب‌روی دولت در حوزه رفاه اجتماعی از سوی محققان شناسایی و تحلیل شده است اما در خصوص وضعیت رفاه شرکتی و روند آن تصویر چندانی در دست نیست و اطلاعی از کمیت و کیفیت آن در ادوار مختلف نداریم. برای مثال، اگر از یک متخصص و کارشناس بودجه در دولت بپرسید که سهم امور اجتماعی در بودجه سالانه چقدر است به سهولت از طریق جداول مربوط به سرفصل امور اجتماعی، آموزش و غیره می‌تواند هزینه این بخش را استخراج کرده و به شما بگوید؛ اما اگر بپرسید سالانه چه میزان هزینه رفاه شرکتی است اولاً این واژه تعریف نشده است و لذا کارشناس مزبور درک مشخصی از این مفهوم ندارد و نمی‌داند این مفهوم شامل چه نوع کمک‌ها یا تخصیص‌هایی می‌شود که بخواهد هزینه آن را محاسبه کند و ثانیاً به فرض وجود تعریف مشخص، ارقام آن به‌سادگی قابل احصاء نیستند زیرا - همان‌طور که در ادامه خواهیم دید - کمک به شرکت‌ها با نام‌های مختلف، و اشکال و روش‌های متفاوت صورت می‌گیرد و ثالثاً بخشی از آن‌ها در قالب تخصیص‌های پیش از بودجه مانند معافیت مالیاتی و یا خارج از بودجه مانند الزام به نظام بانکی برای اعطای تسهیلات، بخشودگی، استمهال و غیره انجام می‌شود که اصلاً ارقام آن در بودجه لحاظ نمی‌شوند و لذا قابل محاسبه نیستند. بنابراین، پژوهش در حوزه رفاه شرکتی نه تنها به ایجاد شفافیت در این حوزه کمک می‌کند بلکه درک و فهم ما از دینامیسم رابطه دولت با شرکت‌ها را نیز بهبود می‌بخشد. زیرا همان‌طور که مخارج اجتماعی دولت نشان‌دهنده گروه‌ها و نیروهای اجتماعی ذی‌نفوذ بر دولت است^۱ یا حداقل بیان‌گر جهت‌گیری‌های اجتماعی دولت است به طریق اولی مخارج رفاه شرکتی نیز توضیح‌دهنده رابطه دولت با شرکت‌ها است و گذشته از آن نشان می‌دهد دولت به چه میزان و چگونه منابع در اختیار را میان شرکت‌ها توزیع می‌کند و در پی کسب چه اهدافی است. از طرف دیگر، پژوهش در حوزه رفاه شرکتی این امکان را فراهم می‌کند تا ضرورت توازن و هماهنگی میان رفاه شرکتی و رفاه اجتماعی برجسته شود. برای مثال، اگر برنامه‌های رفاه شرکتی معافیت‌ها و مزایای خاصی را برای شرکت‌های مستقر در شهرک‌های صنعتی تعریف می‌کنند هم‌زمان باید نسبت به تدارک برنامه‌های رفاه اجتماعی شامل مسکن ارزان، امکانات آموزشی رایگان و مناسب برای همه سنین، زیرساخت‌های بهداشت و درمان و غیره، جهت ترغیب نیروی کار به عزیمت و سکونت در نواحی مجاور با شهرک‌های صنعتی نیز اقدام کند. بدیهی است، در صورت عدم هم‌سویی و هماهنگی میان برنامه‌های رفاه اجتماعی و شرکتی نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. به‌همین منظور، پژوهش در حوزه رفاه شرکتی واجد اهمیتی مضاعف است. به‌طور خلاصه، در ایران، پژوهشی در زمینه کلیت رفاه شرکتی صورت نگرفته است و یک شکاف دانشی در این خصوص وجود دارد. به‌طوری‌که نمی‌دانیم، کمک‌های دولت به شرکت‌ها در ایران چه اشکالی دارد و این کمک‌ها چگونه و در کدام قوانین بازتاب یافته‌اند، چه اهدافی را دنبال می‌کند و چگونه تأمین مالی می‌شود. این تحقیق گامی ابتدایی در این راستا است.

۱. برای اطلاع از سرانه هر یک از گروه‌های هدف از بودجه امور رفاه اجتماعی مربوط به سال ۱۳۹۵ نگاه کنید به: (Golab, 2018).

پیشینه نظری و چهار چوب مفهومی

تاکنون تعریف واحدی از رفاه شرکتی مورد اجماع قرار نگرفته است. پژوهشگران مختلف آن را به عنوان هرگونه حمایت مالی، یارانه، معافیت مالیاتی یا مزیت اقتصادی تعریف کرده‌اند که از سوی دولت به برخی شرکت‌ها یا صنایع خاص اعطا می‌شود، درحالی که سایر شرکت‌ها از این مزایا بهره‌مند نیستند (Dawkins, 2002)، (Schlomach, Slivinski, & Hohman, 2019)، (Farnsworth, 2013)، (Glasberg & Skidmore, 1997, as cited in Farnsworth, 2012, p. 6)، (Nader, 1999, as cited in Farnsworth, 2012, p. 6)، (Slivinski, 2007)، و (Barlett & Steele, 1998). برخی تعاریف، وجود شرط‌گذاری برای دریافت این حمایت‌ها را مرز میان سیاست‌های توسعه صنعتی و رفاه شرکتی می‌دانند. از دید محققان مزبور، مفهوم رفاه شرکتی باید بر اساس وجود یا عدم وجود «شرط‌گذاری» در کمک‌های دولتی تعریف شود. به گونه‌ای که اگر دولت‌ها برای ارایه حمایت‌های خود، شروطی را تعیین کنند این کمک‌ها را نمی‌توان به عنوان رفاه شرکتی در نظر گرفت، بلکه باید آن را نوعی سیاست صنعتی فعالانه دانست (Bulfone, Ergen, & Kalaitzake, 2022). با توجه به فقدان تعریفی دقیق از رفاه شرکتی، یکی از چالش‌های اساسی در بررسی این مفهوم، تمایز میان حمایت‌های مشروع دولت و امتیازاتی است که تنها به برخی شرکت‌ها اختصاص می‌یابد. به عنوان مثال، مشخص نیست که حمایت دولت از صنایع داخلی برای کاهش وابستگی اقتصادی، یک سیاست راهبردی و صنعتی محسوب می‌شود یا مصداقی از رفاه شرکتی است. به عبارت دیگر، تا کجا کمک‌های دولتی به شرکت‌ها مشروع و قابل قبول تلقی می‌شود و از چه نقطه‌ای به بعد غیرقابل پذیرش خواهد بود؟ ارائه تعریفی از رفاه شرکتی که بتواند چنین تمایزهای ظریفی را از پیش مشخص کند، چندان ساده نیست. در این تحقیق، رفاه شرکتی به عنوان مزیتی در نظر گرفته می‌شود که از سوی دولت به هر شکلی اعم از نقدی یا غیرنقدی و به هر روشی به طور مستقیم یا غیرمستقیم و با هر هدفی از محل منابع عمومی (قبل و بعد از بودجه یا خارج از مکانیزم بودجه) به شرکت یا شرکت‌های خصوصی یا غیردولتی (یا هر شرکت دیگری که در مالکیت عمومی نیست و خارج از نظارت دولت و مجلس قرار دارد) اعطا شود. همچنین، در این تحقیق، رفاه شرکتی نه به عنوان مفهومی منفی، بلکه به عنوان چارچوبی در نظر گرفته می‌شود که باید مبتنی بر ضوابط مشخص، شفافیت و ارزیابی اثربخشی باشد. در مورد اشکال رفاه شرکتی نیز اوضاع به همین روال است و محققان در این زمینه اجماع مشخصی ندارند. در هر حال، اشکال مختلف رفاه شرکتی که محققان به آن اشاره کرده‌اند شامل موارد زیر است: نرخ‌های بهره ترجیحی، کمک‌های مالی برای نجات شرکت‌ها، بخشودگی بدهی شرکت‌ها، انواع معافیت‌های مالیاتی، انواع تخفیفات مالیاتی، اعطای زمین به صورت بلاعوض یا با نرخ‌های ترجیحی، اعطای انواع وام، قبول تاخیر در بازپرداخت اصل و فرع وام، اعطای تنفس در بازپرداخت وام، ارایه انواع اعتبارات، و اعطای خدمات زیرساختی با نرخ‌های ترجیحی (Olson & Champlin, 1998)، (Nader, 2000)، (Farnsworth, 2012). سه رویکرد نظری مختلف به رفاه شرکتی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به سه گروه رویکردهای راست‌گرا، چپ‌گرا و کارکردگرایانه تقسیم کرد. طرفداران رویکرد راست‌گرا معتقدند که رفاه شرکتی نه تنها ناکارآمد است، بلکه فساد را نیز تقویت می‌کند و یارانه‌های دولتی که به شرکت‌ها اعطا می‌شود به جای افزایش رقابت و نوآوری، منجر به رانت‌جویی، لابی‌گری، اختلال در سازوکار بازار، تخصیص ناعادلانه و نادرست منابع و افزایش بار مالی بر دوش مالیات‌دهندگان می‌شود و این کمک‌ها اغلب به شرکت‌هایی تعلق می‌گیرد که روابط سیاسی قوی‌تری دارند، نه به آن‌هایی که شایستگی بیشتری دارند (Edwards, 2024) و (Moore, 1999). از دیدگاه محققان راست‌گرا، مداخله دولت در بازار و حمایت مالی از برخی شرکت‌ها یا صنایع باعث اختلال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تخصیص نادرست منابع می‌شود که در نهایت کارایی اقتصاد را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، یارانه‌های دولتی به شرکت‌ها بخش قابل توجهی از درآمد مالیاتی را از بین می‌برد. برای مثال، جزیره پرنس ادوارد در کانادا بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۹ در مجموع بیش از میزان مالیاتی که از شرکت‌ها دریافت کرده، به آن‌ها کمک مالی ارایه داده است. در همین بازه زمانی، ایالت‌های کبک و مانیتوبا تقریباً تمام مالیاتی را که از شرکت‌ها دریافت کردند، به شکل یارانه

به آن‌ها بازگرداندند. همچنین، در ایالت انتاریو این کمک‌ها حدوداً معادل نیمی از مالیات دریافتی از کسب‌وکارها بوده و در آلبرتا بیش از یک سوم را تشکیل داده است (Fuss, Hill, & Emes, 2024). بر طبق رویکرد راست‌گرایانه رفاه شرکتی نه تنها به اقتصاد کمی نمی‌کند، بلکه زیان‌بار است. برای نمونه، طبق تحقیقی مشخص شد که محدودیت‌های واردات شکر در آمریکا در نهایت به افزایش قیمت آن منجر شد و سالانه ۲ میلیارد دلار زیان به مصرف‌کنندگان آمریکایی وارد کرد تا جایی که برخی شرکت‌های غذایی تولید خود را به خارج از کشور منتقل کرده‌اند. از منظر رویکرد راست‌گرایانه، کمک به شرکت‌ها فضای رقابت را ناعادلانه می‌کند. شرکت‌هایی که از حمایت‌های دولتی بهره‌مند می‌شوند، نسبت به رقبای خود که بدون کمک فعالیت می‌کنند، مزیت ناعادلانه‌ای کسب می‌کنند. برای مثال، طبق برنامه کمک به صادرات در آمریکا خطوط هوایی خارجی که از شرکت‌های آمریکایی سازنده هواپیما هواپیماهای مسافربری خریداری می‌کردند مشمول دریافت یارانه از دولت آمریکا می‌شدند، در حالی که شرکت‌های هواپیمایی داخلی باید هزینه کامل آن را پرداخت می‌کردند. فساد سیاسی یکی دیگر از پیامدهای رفاه شرکتی است. نمونه‌ای از این فساد، شرکت سولیندرا^۱ است که پس از دریافت ۵۰۰ میلیون دلار یارانه انرژی سبز از دولت اوپاما، ورشکسته شد. بررسی‌ها نشان داد که مدیران این شرکت از حامیان مالی مهم کمپین اوپاما بودند و بسیاری از تصمیمات تجاری‌شان بر اساس نفوذ سیاسی و نه اصول اقتصادی اتخاذ شده بود (Edwards, 2017). با این حال، کمک به شرکت‌ها در همه کشورها امری معمول است برای نمونه، کمک‌های دولت ایالت متحده به شرکت‌ها در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار شامل اعطای وام و کمک‌های بلاعوض به شرکت‌های انرژی، حمایت از تحقیقات صنعتی، حمایت مالی از شرکت‌های بزرگ مانند بوئینگ و جنرال الکتریک و غیره بوده است (Edwards, 2017, p. 546). در رویکرد راست‌گرایانه رفاه شرکتی تقریباً معادل مفهوم سرمایه‌داری رفاقتی است. مولفه کلیدی در سرمایه‌داری رفاقتی سوء استفاده افراد ذی‌نفوذ از مقام و موقعیت خود در دولت به نفع برخی از افراد یا شرکت‌ها و به زیان دیگران است. طبق این دیدگاه زمانی که دولت اختیار دارد کمک‌های متعددی را به شرکت‌ها اعطا کند، سودآوری شرکت‌ها به میزان توانایی آن‌ها در دریافت این کمک‌ها بستگی دارد. این وضعیت باعث می‌شود که شرکت‌ها به جای تمرکز بر فعالیت‌های کارآفرینانه و بهره‌ور، توجه خود را معطوف به تلاش برای کسب مزایای دولتی کنند. در این حالت، شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند از این مزایا بهره‌مند می‌شوند و شرکت‌های نابرودار از ارتباطات با افراد ذی‌نفوذ از آن محروم می‌شوند (Holcombe, 2013). در همین راستا، دو پژوهش در ایران در ارتباط با پیامدهای کمک‌های دولتی به شرکت‌ها انجام شده است. در یک مورد، با بررسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مشخص شده است که مدیران شرکت‌های برخوردار از حمایت‌های دولتی به نوآوری فعالیت‌ها و فرآیندها اهتمام کم‌تری دارند (Bashirimanesh, & Dehghani, 2021). در مورد دیگری، ۱۱۳ شرکت دانش‌بنیان بهره‌مند از کمک‌های دولتی در حوزه زیست‌فناوری مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج نشان داد که کمک‌های دولتی شامل معافیت مالیاتی و انواع تسهیلات مالی اعطا شده، اثری بر حجم فروش، حجم صادرات و معرفی محصولات جدید نداشته و تنها اثر مشاهده شده افزایش نیروی انسانی شاغل در بخش تحقیق و توسعه بوده است (Hashemi, Ghazinoory, Sajadifar, Sahebkar Khorasani, & Moussavi, 2019). اگر از دیدگاه راست‌گرایان، رفاه شرکتی به دلیل صدماتی که متوجه اقتصاد بازار و رقابت عادلانه می‌کند، امری ناپسند است، چپ‌گرایان به دلیل پیامدهای زیان‌بار آن برای جامعه - همچون تقویت نابرابری‌های اقتصادی - با آن مخالفند. در همین راستا چپ‌گرایان تلاش می‌کنند افکار عمومی را درباره تأثیرات منفی رفاه شرکتی آگاه کرده و جامعه را به اقدامات اصلاحی برای کاهش یا حذف این حمایت‌ها تشویق کنند تا از این طریق، منابع عمومی به‌طور مؤثرتری مورد استفاده قرار گیرند. از این منظر، حمایت‌های دولتی از شرکت‌ها به تحمیل هزینه‌های سنگین بر مالیات‌دهندگان، تضعیف سرمایه‌گذاری‌های عمومی ضروری، و افزایش نابرابری اقتصادی منجر شده و نه تنها منابع مالی را از خدمات عمومی حیاتی مانند آموزش و بهداشت منحرف می‌کند، بلکه با ایجاد بازارهای انحصاری و کاهش رقابت، به مصرف‌کنندگان و اقتصاد کلان آسیب می‌رساند (Nader, 2000). بنت (۲۰۱۵) مثال‌های فراوانی از انواع رفاه شرکتی در ایالات

1. Solyndra

متحدۀ ارایه می‌کنند. وی ضمن نقد سیاست‌های رفاه‌شرکتی در ایالات متحده نشان می‌دهد که چگونه این حمایت‌ها، که در قالب یارانه‌ها، معافیت‌های مالیاتی و امتیازات دولتی به شرکت‌های بزرگ ارایه می‌شوند، نه تنها موجب بهبود اقتصاد نمی‌شوند، بلکه ناکارآمدی، وابستگی و فساد را تقویت می‌کنند (Bennett, 2015). در پژوهش دیگری نیز نشان داده شده که بانک مرکزی اروپا طی ۱۵ سال گذشته حمایت‌های بی‌قیدوشرطی از بانک‌ها و موسسات مالی بزرگ اروپایی به عمل آورده و این حمایت‌ها، در واقع، انتقال پنهان منابع دولتی به بانک‌ها محسوب می‌شود که به دلیل استقلال فنی بانک مرکزی اروپا از نظارت و مخالفت‌های سیاسی مصون مانده است (Bulfone, Ergen, & Kalaitzake, 2022). رویکرد سوم که می‌توان از آن به رویکرد کارکردگرایانه نام برد به رفاه‌شرکتی از زاویه تنظیم نظام اقتصادی می‌نگرد. برای نمونه، اوفه (۱۹۸۴) نشان می‌دهد که دولت-رفاه یک ضرورت ساختاری برای بقای نظام سرمایه‌داری است. به‌زعم او، سرمایه‌داری ذاتاً بی‌ثبات است و بدون مداخله دولت به بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی دچار می‌شود. او استدلال می‌کند که دولت‌های مدرن نه تنها از شهروندان بلکه از شرکت‌ها نیز حمایت می‌کنند، زیرا سرمایه‌داری بدون نوعی از «مدیریت دولتی» دوام نخواهد آورد. با این حال، اگر این حمایت‌ها به‌طور نامتعادل به نفع شرکت‌ها باشد، نارضایتی عمومی افزایش می‌یابد و این خود می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و مشروعیت‌زدایی از دولت منجر شود. بنابراین، اوفه بر لزوم ترکیب سیاست‌های رفاه‌شرکتی و رفاه اجتماعی تأکید دارد. به‌طوری که دولت باید از کسب‌وکارها حمایت کند تا اقتصاد به رشد خود ادامه دهد، اما هم‌زمان باید از شهروندان نیز حمایت کند تا نابرابری‌های ساختاری تشدید نشود (Offe, 1984). از منظر رویکرد کارکردگرایانه، رفاه اجتماعی و رفاه‌شرکتی هر دو نقش مهمی در حمایت از افراد و شرکت‌ها در مواجهه با ریسک‌های مختلف در طول زندگی‌شان دارند. نظام‌های رفاه اجتماعی از طریق کمک‌های مالی، یارانه‌های مسکن، خدمات بهداشتی و آموزشی، از افراد حمایت می‌کنند و دسترسی آن‌ها را به نیازهای اساسی تضمین می‌کنند. نظامات رفاه اجتماعی به‌ویژه برای کسانی که به دلایل مختلف امکان اشتغال ندارند یا از توانایی مالی برای تأمین نیازهای خود برخوردار نیستند، بسیار ضروری هستند. به همین ترتیب، کسب‌وکارها نیز در مراحل مختلف رشد خود به حمایت دولتی نیاز دارند. دولت‌ها از طریق تأمین مالی برای راه‌اندازی شرکت‌ها، کاهش ریسک‌های تولید و سرمایه‌گذاری (مانند وضع تعرفه برای کالاهای وارداتی)، و ارایه کمک‌های مالی در دوران بحران، از شرکت‌ها حمایت می‌کنند. بنابراین، همان‌طور که افراد به رفاه اجتماعی نیاز دارند، کسب‌وکارها نیز به نوعی از رفاه‌شرکتی متکی هستند (Farnsworth, 2012).

روش پژوهش

این تحقیق از نوع کیفی است، زیرا به تبیین ابعاد، گونه‌ها، و سیر تحول یک پدیده (رفاه‌شرکتی) می‌پردازد و ماهیتی توصیفی-طولی-تاریخی دارد. جنبه توصیفی آن در توصیف اشکال، اهداف و روش‌های تأمین مالی رفاه‌شرکتی نمود می‌یابد؛ تاریخی است، چراکه روندها و تصمیمات گذشته را مورد تحلیل قرار می‌دهد؛ و طولی است، زیرا تغییرات و تحولات این پدیده را در یک بازه زمانی طولانی (۲۵ سال) بررسی می‌کند. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: رفاه‌شرکتی در کدام قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی ایران بازتاب یافته و چه اشکالی دارد؟ چگونه تأمین مالی می‌شود؟ و به دنبال تحقق کدام هدف صریح یا ضمنی است؟ یافتن پاسخ مناسب برای هر یک از سوالات تحقیق، در گام اول نیازمند شناسایی نوع و ماهیت داده‌های موردنیاز و در گام بعد گردآوری آن داده‌ها بود. از آن‌جا که رفاه‌شرکتی در نهایت به تخصیص منابع یا امتیازات مالی و یا غیرمالی به شرکت‌ها می‌انجامد، داده‌های موردنیاز در واقع متن قوانینی هستند که به‌موجب آن‌ها چنین تخصیص‌هایی تجویز یا تصویب شده‌اند. لذا قوانین مصوب به‌عنوان بهترین، معتبرترین و دقیق‌ترین منبع برای گردآوری‌های داده‌های رفاه‌شرکتی شناخته شدند. از این‌رو، جامعه تحقیق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۴۰۰ است. در این تحقیق، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با بهره‌گیری از سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران تلاش شد قوانین مرتبط با رفاه‌شرکتی مصوب مجلس شورای اسلامی در بازه زمانی تحقیق شناسایی شوند. همچنین، در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش

تحلیل اسنادی و تکنیک تحلیل مضمون به صورت مکمل استفاده شد. تحلیل اسنادی برای گردآوری داده‌ها از قوانین و تحلیل مضمون برای شناسایی و استخراج مفاهیم مرتبط با رفاه شرکتی به کار رفتند. تحلیل اسنادی و تحلیل مضمون دو روش کیفی در تحقیقات اجتماعی هستند. تحلیل اسنادی برای بررسی محتوای متون و اسناد رسمی، تاریخی و قانونی استفاده می‌شود. در این روش، محقق اسناد مرتبط را شناسایی، ارزیابی و تحلیل کرده و اطلاعات کلیدی را استخراج می‌کند. این روش برای مطالعه پدیده‌هایی که داده‌های آن‌ها پراکنده یا محدود به اسناد رسمی هستند، مناسب است. تحلیل مضمون به شناسایی و تفسیر الگوها و مفاهیم در داده‌های متنی می‌پردازد. این روش از کدگذاری استقرایی (بدون چارچوب از پیش تعیین شده) و قیاسی (براساس مفاهیم نظری) استفاده کرده و داده‌ها را به مضامین اصلی و فرعی سازمان‌دهی می‌کند. مضامین باید تکرارپذیر و از یکدیگر متمایز باشند. خروجی این تحلیل به ایجاد چارچوب‌های نظری و تفسیرهای عمیق از پدیده‌های مورد مطالعه کمک می‌کند (Bowen, 2009)، (Ryan & Bernard, 2003)، (Fereday & Muir-Cochrane, 2006)، (Abedi Jafari, Taslimi, & Faghihi, 2011)، (Mohammadpour, 2013). با توجه به ماهیت داده‌های تحقیق حاضر، روش تحلیل اسنادی به عنوان ابزاری برای شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها و تکنیک تحلیل مضمون به منظور استخراج مضامین کلیدی، در کنار هم به کار گرفته شده‌اند تا تصویری جامع از ابعاد و گونه‌های رفاه شرکتی ارائه شود. از آن جاکه در این تحقیق، صرفاً کشف و نه رابطه میان مضامین مطرح نظر است، تکنیک تحلیل مضمون کفایت لازم برای انجام این امر را دارد. لذا این رویکرد ترکیبی توانست داده‌ها را به صورت معنادار سازمان‌دهی و تحلیل کرده و یافته‌های قابل اعتمادی ارائه دهد. اعتبار نتایج یک تحقیق با پیروی از مجموعه‌ای استاندارد و دستورالعمل‌های پذیرفته شده حاصل نمی‌شود. به تعبیری، اعتبار یک تحقیق، کالایی نیست که بتوان آن را با روش‌هایی خریداری کرد؛ بلکه به ارتباط نتایج با واقعیت وابسته است و هیچ روشی نمی‌تواند تماماً این رابطه را تضمین کند. مهم‌تر از همه، مخاطرات پیش‌روی اعتبار تحقیق با شواهد و نه روش‌ها خنثی می‌شوند. روش‌ها تنها راهی برای دستیابی به آن شواهد هستند تا به رفع تهدیدات متوجه اعتبار تحقیق کمک کنند (Maxwell, 2013). از این رو، پیش از کار بست روش‌هایی برای تضمین اعتبار تحقیق، لازم است محقق از تهدیدهای متوجه اعتبار تحقیق آگاهی داشته باشد و برای مقابله با آن تهدیدها راهبردهایی را اتخاذ کند. بر این اساس، مهم‌ترین تهدیدهای متوجه اعتبار این تحقیق: (یکم) استفاده از اسناد نامتقن، و (دوم) تفسیر به رای داده‌های تحقیق شامل متن قوانین و مقررات، تصویب‌نامه‌ها و غیره بود. برای مقابله با این تهدیدها علیه اعتبار تحقیق، از دو روش ارجاع‌دهی به منابع اصلی^۲ برای مقابله با تهدید اول و مرور همکارانه^۳ برای به حداقل رساندن ریسک سوءبرداشت و تفسیر به رای از داده‌های تحقیق استفاده شد. در روش اول، برای یافتن داده‌های تحقیق تنها به اسناد دست اول رجوع شد و شواهد اصلی در اسناد مورد استفاده قرار گرفتند. بدین صورت، اطمینان حاصل شد که یافته‌ها به طور مستقیم از داده‌های واقعی استخراج شده‌اند و همه اسناد مورد استناد متقن هستند. علاوه بر آن، فهرست جامعی از تمام منابع مورد استناد و بررسی شده در پایگاه قوانین و مقررات تهیه شد و خلاصه‌ای از مفاد قوانین مربوط نیز در فهرست مزبور درج گردید. در روش دوم، اسناد و نتایج منتج از آن‌ها با دیگر پژوهش‌گران و متخصصان در میان گذاشته شد تا نظرات آن‌ها را درباره دقت و صحت تحلیل‌ها دریافت شود و از هرگونه سوء برداشت و تفسیر به رأی احتمالی اجتناب گردد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های تحقیق مرور می‌شوند به این ترتیب که در ضمن بررسی اشکال یا گونه‌های مختلف رفاه شرکتی که در مصوبات مجلس نمود یافته‌اند، ویژگی‌های این کمک‌ها شامل کلی و مبهم بودن، نامشروط بودن، فقدان سازوکار ارزیابی اثربخشی و عدم اتصال به یک استراتژی صنعتی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. پس از آن، برای نشان دادن رویکرد متفاوت مجلس در

1. Validity Threats
2. Referencing Primary Sources
3. Peer Review

تأمین مالی برنامه‌های رفاه اجتماعی و رفاه شرکتی، مواردی از چگونگی تأمین مالی برنامه‌های رفاه اجتماعی در مصوبات مجلس تحلیل می‌شود.

الف) گونه‌های رفاه شرکتی در مصوبات مجلس

در مصوبات مجلس کمک به شرکت‌ها به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

الف-۱) اعطای تسهیلات و یارانه سود تسهیلات

اعطای تسهیلات یکی از پرکاربردترین انواع کمک به شرکت‌ها در قوانین مصوب مجلس است. برای نمونه، بند ۱۶ تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۸۵ مقرر می‌کند:

دولت موظف است در چارچوب اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به‌منظور توسعه صادرات غیرنفتی، کمک به اشتغال روستائیان به‌خصوص کشاورزان و جلوگیری از مهاجرت، تسهیلات لازم را جهت تأمین سرمایه‌گذاری کارخانجات صنایع غذایی در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد. آئین‌نامه اجرایی این بند [...] تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

در تبصره ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مورد اشاره (موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۳۵۶/ت/۳۴۸۴۹ هـ مورخ ۱۳۸۵/۰۲/۰۹ هیأت وزیران)، سقف تسهیلات برای کارخانه‌های صنایع غذایی ۱۰ میلیارد ریال تعیین می‌شود و وفق ماده ۳ آیین‌نامه مزبور، تسهیلات اعطایی با نرخ ترجیحی است. با این حال، گویا این مبلغ کفایت لازم را نداشته زیرا در حدود یک ماه و نیم بعد و طی تصویب‌نامه شماره ۳۴۸۴۹/ت/۲۹۸۴۰ هـ مورخ ۱۳۸۵/۰۳/۲۴ هیأت وزیران، آیین‌نامه اجرایی مزبور اصلاح می‌شود و سقف تسهیلات به سه برابر یعنی ۳۰ میلیارد ریال افزایش می‌یابد. جالب اینجاست که در توجیه ضرورت اعطای تسهیلات ترجیحی برای تأمین سرمایه‌گذاری کارخانجات صنایع غذایی به اهداف مختلفی چون «توسعه صادرات غیرنفتی، کمک به اشتغال روستائیان به‌خصوص کشاورزان و جلوگیری از مهاجرت» در ابتدای متن قانون اشاره می‌شود اما سازوکاری برای سنجش دستیابی به این اهداف نه در متن قانون و نه در آیین‌نامه اجرایی آن پیش‌بینی نمی‌شود. گذشته از آن، اهداف بیان شده به‌شدت کلی بوده و اصلاً سنجش‌پذیر نیستند. معلوم نیست اشتغال روستائیان کدام مناطق مدنظر است و اساساً کدام گروه از صنایع غذایی مدنظر قانون‌گذار است. علاوه بر آن، نه در متن قانون و نه در آیین‌نامه اجرایی ذیربط مشخص نشده است که معیارهای تعیین صلاحیت برای دریافت این تسهیلات چیست و این تسهیلات طی چه سازوکار و فرآیندی در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد و تعهد آن‌ها چیست. در نمونه دیگری، تبصره ۲ ماده ۶ «قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی» مصوب سال ۱۳۸۹ دولت را موظف به تأمین تسهیلات لازم برای ایجاد آزمایشگاه‌های خصوصی کنترل میزان سلامت محصولات کشاورزی می‌کند و علاوه بر آن، طی تبصره ۳ همان ماده دولت مکلف می‌شود تا استقرار کامل این آزمایشگاه‌ها و توانمندسازی آن‌ها، حمایت‌ها و پشتیبانی‌های لازم از آن‌ها را به‌عمل آورد. این که میزان کمک‌ها چقدر است، شرایط احراز برای دریافت کمک‌ها چگونه است و تعهد متقابل گیرندگان این کمک‌ها چیست، معلوم نیست. علاوه بر آن، ماده ۲۰ همان قانون نیز به دولت اجازه می‌دهد «جهت تأمین مالی طرح‌های بخش کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، صنایع غذایی و توسعه صادرات محصولات بخش کشاورزی [...] سرمایه خود را در بانک کشاورزی از هشت هزار میلیارد ریال به سی هزار میلیارد ریال افزایش دهد». در نمونه دیگری، ماده ۶ قانون هدفمندی یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸، دولت را ملزم به حمایت از ایجاد و گسترش واحدهای تولید نان صنعتی می‌کند. در متن قانون به نوع حمایت اشاره نشده است. لذا وزیران عضو «کارگروه بررسی آیین‌نامه‌های قانون هدف‌مندکردن یارانه‌ها»، آیین‌نامه اجرایی

۱. با احتساب قیمت دلار در سال ۱۳۸۵ که در حدود ۸۷۰ تومان بوده ارزش دلاری تسهیلات اعطا شده در آن سال تقریباً معادل یک میلیون دلار است.

این ماده را طی تصویب‌نامه شماره ۸۳۵۰۲/ت/۴۶۶۷۴ک مورخ ۱۳۹۰/۰۴/۲۱ مشخص می‌کنند. وفق ماده ۳ آیین‌نامه مزبور زمین موردنیاز برای احداث کارخانه‌های تولید صنعتی نان باید در اولویت واگذاری باشد. سپس در ماده ۴ آیین‌نامه مورد اشاره، نرخ سود تسهیلات اعطایی هفت درصد تعیین می‌شود. اعطای تسهیلات به شرکت‌ها محدود به تسهیلات ریالی نیست. مثلاً جزء «د» بند ۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ مبلغ قابل توجه **سه میلیارد دلار** برای اعطای تسهیلات به بخش غیردولتی اختصاص می‌دهد. در متن قانون به صنعت یا منطقه‌ای خاص اشاره نمی‌شود. گذشته از آن، ضوابط اجرایی این جزء از قانون بودجه (موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۱۱۶۰۷/ت/۴۳۳۰۴ک مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۷ کارگروه حمایت از تولید ذیل هیات وزیران) نیز در این ارتباط ساکت است. طبق ماده ۶ تصویب‌نامه مزبور سود تسهیلات ارزی دریافتی معادل هفت درصد و براساس ماده ۱۱ آن، سقف تسهیلات اعطایی به هر ذینفع ۲۰ میلیون یورو تعیین می‌شود. تنها شروط مطرح‌شده نیز در ارتباط با نحوه بازپرداخت تسهیلات است و تعهدی غیر از بازپرداخت به‌موقع متوجه گیرندگان نیست. در قوانین بودجه سنوات بعد نیز همین رویه مشاهده می‌شود. برای نمونه، براساس جزء «ل» بند ۸ قانون بودجه سال ۱۳۸۹ بانک مرکزی مکلف شود تا مبلغ **۷۰۰ میلیون دلار** در بانک‌های صنعت و معدن و کشاورزی به صورت ارزی و ریالی بابت اعطای تسهیلات به واحدهای تولیدی و طرح‌های صنعتی و معدنی سپرده‌گذاری کند. در قانون بودجه سال ۱۳۹۰ این روند جهشی چشم‌گیر می‌یابد به این صورت که طبق جزء «الف» بند ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ مبلغ مزبور به **پنج میلیارد دلار** افزایش می‌یابد. جالب این جاست که مجدداً این کمک‌ها کاملاً کلی هستند و صنعت یا منطقه مشخصی را هدف نمی‌گیرند و متصل به یک استراتژی توسعه صنعتی نیستند. اعطای تسهیلات به شرکت‌ها با واژگان و ادبیات مختلف در مصوبات مجلس مطرح می‌شود. یکی از عبارات جایگزین، **یارانه سود تسهیلات** است. برای نمونه، بند «ذ» تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۸۴ اشعار می‌دارد:

به‌منظور حمایت از سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زای بخش‌های خصوصی و تعاونی، دولت موظف است **مبلغ پانزده هزار میلیارد ریال** [...] به‌عنوان پنج درصد (۵٪) **یارانه سود تسهیلات** [...] پرداخت نماید.

در واقع یارانه سود تسهیلات همان اعطای تسهیلات با نرخ ترجیحی یا نرخ بهره پایین‌تر از نرخ بازار است. علی‌رغم این که هدف از اعطای این کمک حمایت از سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زای بخش‌های خصوصی و تعاونی عنوان شده اما اثری از سازوکار تعهدگیری برای اشتغال و نیز ارزیابی اثربخشی این کمک‌ها در نیل به هدف نیست.

الف-۲) تأمین سرمایه در گردش

از دیگر اشکال کمک به شرکت‌ها در قوانین بودجه کمک به **تأمین سرمایه در گردش** است. برای نمونه، جزء ۳ بند ۷ قانون بودجه سال ۱۳۹۱ تصریح می‌کند:

به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود، حداقل معادل مبلغ **سه میلیارد و پانصد میلیون دلار** نزد بانک‌های تخصصی، سپرده‌گذاری نماید تا [...] در قالب **تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی** بخش غیردولتی به مصرف برسد.

جالب توجه است که همین ماده قانونی عیناً در بند ۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و بند «ص» تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۳ تکرار می‌شود. نکته مهم، حجم مالی قابل توجه این نوع کمک است. **سه و نیم میلیارد دلار** کمک برای **سرمایه در گردش** در هر سال و طی سه سال یعنی **مجموعاً ده و نیم میلیارد دلار** که مبلغ بسیار قابل توجهی است. از طرف دیگر، صنایع مدنظر، هدف‌گذاری، مکانیزم تخصیص و معیارهای واجد صلاحیت بودن برای دریافت کمک و نحوه ارزیابی اثربخشی این حجم از کمک کاملاً مغفول است و در نهایت سازوکار گزارش‌دهی در مورد دریافت‌کنندگان نیز پیش‌بینی نشده است. از همه مهم‌تر، قانون هیچ تعهدی برای گیرندگان این نوع کمک‌ها تعیین نمی‌کند.

الف-۳) ریسک‌زدایی از فعالیت اقتصادی و کمک بلاعوض

یکی دیگر از اشکال قابل توجه کمک‌ها در مصوبات مجلس، **ریسک‌زدایی از فعالیت اقتصادی** شرکت‌ها است با این هدف که ریسک‌های ذاتی فعالیت اقتصادی آن‌ها را کاهش یا حتی کلاً حذف کند! برای نمونه، بند «د» تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ تصریح می‌کند:

به وزارت معادن و فلزات اجازه داده می‌شود از محل اعتبار عمرانی [...] به دارندگان پروانه اکتشاف [...] به منظور مطالعات و عملیات اکتشافی، **تسهیلات قرض‌الحسنه** [...] اعطا نماید. [...] در مواردی که عملیات اکتشافی با تایید وزارت معادن و فلزات به نحو صحیح انجام ولی منجر به کشف ذخیره مواد معدنی نگردد پرداخت بلاعوض تلقی خواهد شد. [...]

در متن فوق دو نکته مهم نهفته است. اول اینکه تسهیلات اعطایی به صورت قرض‌الحسنه و بدون بهره است. نکته دیگر این‌که، چنانچه عملیات اکتشاف به نتیجه نرسد تسهیلات اعطایی **بلاعوض** تلقی خواهد شد. در نتیجه، نه تنها دولت برای عملیات اکتشاف معادن از محل منابع عمومی کشور تسهیلات رایگان اعطا کرده بلکه ریسک عدم کشف را نیز کامل برعهده گرفته است. بلاشک این نوع پوشش ریسک باعث هدررفت منابع شده و انگیزه بهبود را کاهش می‌دهد زیرا اشخاص حقیقی و یا حقوقی بهره‌مند از این امتیاز به دلیل اطمینان از پوشش ریسک شکست عملیات اکتشاف، انگیزه اقتصادی لازم برای نمونه‌برداری اولیه و انجام تخمین و برآوردهای دقیق‌تر پیش از آغاز عملیات اکتشاف را نخواهند داشت چراکه هزینه شکست عملیات اکتشاف قبلاً از جیب دولت پرداخت شده است لذا چرا باید مثلاً در توسعه دانش اکتشاف سرمایه‌گذاری کرده و از نیروی ماهر و متخصص برای برآورد دقیق پیش از عملیات اکتشاف استفاده کنند.

ریسک‌زدایی از فعالیت اقتصادی و **بلاعوض کردن** کمک‌های اعطایی، موضوع نادری در مصوبات مجلس نیست. برای نمونه، طبق بند «الف» تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۴ حداکثر پنجاه درصد تسهیلات اعطایی برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر در صنایع نوین می‌تواند بلاعوض شود. جالب است که این بند عیناً در قانون بودجه سال ۱۳۸۵ (بند «الف» تبصره ۴) و قانون بودجه سال ۱۳۸۶ (بند «ز» تبصره ۴) تکرار می‌شود. با این حال، مشخص نیست مبلغ تسهیلات اعطایی چقدر است و آیین‌نامه مورد اشاره در متن قانون نیز در این زمینه ساکت است.

ریسک‌زدایی از فعالیت‌های اقتصادی در قوانین بودجه دامنه وسیع‌تری دارد. برای نمونه، طبق بند ۱۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۱، به دولت اجازه داده شده است تا:

... نسبت به **جبران زیان اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی واردکننده یا صادرکننده کالا** ناشی از اعمال سیاست‌های قیمت‌گذاری توسط دستگاه‌های اجرایی یا دولت در **سنوات قبل**، از محل بودجه عمومی و نیز ردیف‌های اصلی و متفرقه دستگاه‌های مربوط اقدام نماید. در اجرای این بند استفاده از منابع داخلی دستگاه‌های اجرایی مجاز است. همان‌طور که مشخص است، متن قانون بسیار گنگ و تفسیربردار می‌باشد. مشخص نیست کدام گروه از واردکنندگان یا صادرکنندگان مشمول این بند از قانون بودجه می‌شوند و چه نوع کالاهایی موردنظر است. هم‌چنین، مراد از «زیان» معلوم نیست. از طرف دیگر، عبارت «**سنوات قبل**» که در متن قانون به کار رفته می‌تواند دوره زمانی گسترده‌ای - از یک تا حتی چندین سال - را شامل شود. از همه مهم‌تر، حجم یا سقف مالی **جبران زیان** نیز مشخص نشده است. معلوم نیست تا چه سقفی زیان مورد اشاره می‌تواند جبران شود. افزون‌بر آن، به‌مانند موارد قبلی، هدف‌گذاری، مکانیزم تخصیص و معیارهای واجد صلاحیت بودن برای دریافت کمک و نحوه ارزیابی اثربخشی کمک نیز کلاً مغفول است. هم‌چنین، عبارت «دستگاه‌های اجرایی» نیز گنگ و تفسیربردار است و می‌تواند از وزارت کشور تا گمرک یک استان را شامل شود. چنین قوانینی بی‌شک زمینه‌ساز امضاهای طلایی شده و بستر ساز رشد و نمو فساد مالی می‌شوند.

الف-۴) انواع بخشودگی‌های مالی

بخشودگی مالیاتی و جرایم مالیاتی، بخشودگی جرایم دیرکرد بازپرداخت تسهیلات و نیز بخشودگی جرایم حق بیمه تأمین اجتماعی از دیگر اشکال کمک‌ها یا حمایت‌هایی است که به کرات در قوانین بودجه آمده است. باید توجه داشت، که در ذیل هیات وزیران و در دولت‌های مختلف، کمیته‌ها و کارگروه‌هایی وجود دارند که منحصرأ به درخواست شرکت‌ها برای بخشودگی جرایم و امهال و تقسیط بدهی رسیدگی می‌کنند با این حال این گونه کمک‌ها باز هم به مصوبات مجلس راه می‌یابند. برای نمونه، جزء ۲ بند «ق» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ اشعار می‌دارد:

به‌منظور حمایت از تولید و صاحبان کسب‌وکارهای آسیب دیده از کرونا، واحدهای صنفی [...] و واحدهای تولیدی در سال ۱۳۹۹ علاوه بر معافیت‌های قانونی و بخشودگی و مشوق‌های مالیاتی، برای مالیات بر عملکرد سال ۱۳۹۹ از پنج واحد درصد بخشودگی برخوردار می‌شوند.

در مثال دیگری، طی بند ۷۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۲، کلیه جریمه‌های مالیاتی ناشی از تاخیر در پرداخت مربوط به عملکرد سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بنگاه‌های تولیدی بخشوده می‌شود. بند «و» تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ نیز نظام بانکی را ملزم می‌کند چنانچه بدهکاران بدهی خود را تا پایان شهریورماه ۱۳۹۷ تسویه نماید جرایم دیرکرد بازپرداخت تسهیلات را مورد بخشودگی قرار دهند. بخشودگی جرایم تاخیر پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی از دیگر انواع بخشودگی‌ها است. برای نمونه، در مورد جرایم بیمه تأمین اجتماعی، ماده ۱۲ «قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۲ حکم می‌کند:

کارفرمایان مشمول قانون تأمین اجتماعی که دارای بدهی معوقه تا پایان سال ۱۳۸۰ به سازمان تأمین اجتماعی می‌باشند، چنانچه حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون اصل حق بیمه و بیمه بیکاری قطعی شده را به سازمان یادشده پرداخت و یا با توافق سازمان مزبور آن را تقسیط و اقساط تعیین شده را در سررسیدهای مربوط پرداخت نمایند، جرایم متعلقه اعم از جرایم تأخیر پرداخت حق بیمه و تأخیر ارسال صورت مزد و حقوق [...] بخشوده می‌شوند.

در همین ارتباط، ماده ۱۳ «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم» مصوب ۱۳۹۱ نیز حکم به بخشودگی جرایم مربوط به تأمین اجتماعی می‌دهد.

الف-۵) ممانعت از ممنوع‌الخروجی

از دیگر حمایت‌های صورت گرفته از شرکت‌ها در قوانین، ممانعت از ممنوع‌الخروجی بدهکاران است. برای نمونه تبصره ماده ۳ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، سازمان تأمین اجتماعی را مکلف می‌کند تا پایان سال ۱۳۹۵ از ممنوع‌الخروج نمودن کارفرما و توقیف ابزار و ماشین‌آلات تولید و مواد اولیه خودداری کند.

الف-۶) تسهیل شرایط اعطای تسهیلات

یکی از انواع کمک‌هایی که در قوانین متعدد مصوب مجلس وجود دارد، تسهیل شرایط اعطای تسهیلات است. برای مثال، اخذ وثیقه ملکی یکی از روش‌های بانک‌ها برای تضمین بازپرداخت تسهیلات اعطایی است زیرا این گونه وثایق از اعتبار و نقدشوندگی بالایی برخوردارند. با این حال، ماده واحده‌ای به نام «قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانک‌ها و دستگاه‌ها و

سایر مؤسسات و شرکت‌های دولتی به منظور تسهیل امر سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر در طرح‌های تولیدی و صادراتی^۱ در سال ۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد که بدین صورت آغاز می‌شود:

بانک‌ها و دستگاه‌ها و سایر مؤسسات و شرکت‌های دولتی موظفند به منظور تضمین بازپرداخت اعتبارات خود نسبت به اخذ وثایق ذیل اقدام کنند و **بدون رضایت گیرنده اعتبار از اخذ وثیقه ملکی خارج از طرح خودداری نمایند.**

مبرهن است که ارایه وثیقه ملکی هیچ‌گاه مطلوب اعتبار گیرنده نیست لذا وقتی شرط رضایت گیرنده اعتبار در متن قانون گنجانده می‌شود عملاً نظام بانکی از اخذ وثیقه ملکی ناتوان می‌شود زیرا هیچ اعتبارگیرنده‌ای دانایی داوطلبانه و با طیب خاطر وثیقه ملکی خارج از طرح به بانک ارایه نمی‌دهد. همچنین، ماده ۱ «قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجراء طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها» مصوب ۱۳۸۶، یعنی شش سال بعد از قانون قبلی، گامی فراتر می‌نهد و اساساً دریافت وثیقه خارج از طرح را ممنوع می‌کند. یا در مورد عجیب دیگری، بند «د» ماده ۱۰ «قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی» مصوب ۱۳۸۶ حکم کرده است:

در مواردی که جمع ارزش وثایق و آورده سرمایه‌گذار، بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) کل سرمایه‌گذاری پروژه باشد، **بررسی توجیه فنی و اقتصادی طرح‌ها توسط بانک‌ها ضرورت نخواهد داشت** و باید با وثیقه گرفتن کل طرح، تسهیلات لازم را پرداخت نمایند.

الف-۷) امهال و تقسیط بدهی

امهال و تقسیط بدهی تقریباً شکلی ثابتی از کمک‌ها در قوانین مختلف است. گاهی برای تسهیل تسویه بدهی بدهکاران بانکی قانون خاصی نیز تصویب و طی آن برای تشویق بدهکاران به تسویه بدهی مزایایی هم در نظر می‌گرفته می‌شود. ماده واحده «قانون تسهیل تسویه بدهی بدهکاران شبکه بانکی کشور» مصوب ۱۳۹۸ از آن جمله است. در بند ۳ ماده واحده این قانون مزایایی هم چون «حذف کلیه جرائم متعلقه و سودهای ناشی از آن» و نیز محاسبه سود براساس نرخ سود ساده و نه مرکب، تصریح شده است. در نمونه دیگری، ماده ۲۳ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مصوب ۱۳۹۴، به شرح زیر، نظام بانکی را مکلف به امهال و تقسیط بدهی بدهکاران می‌نماید و تصریح می‌کند که در صورت خوش‌حسابی جریمه‌های مزبور قابل بخشودگی هستند:

کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی مکلفند با درخواست بنگاه‌های تولیدی که به دلیل شرایط کشور طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ دچار مشکل و دارای بدهی سررسید گذشته گردیده‌اند و تا کنون برای تسهیلات اخذ شده معوق از تمهیدات استمهال و یا امهال استفاده نکرده‌اند با تأیید هیأت مدیره برای یکبار و با **دوره تنفس شش ماهه و بازپرداخت سه ساله** اقدام به تسویه حساب تسهیلات معوق نمایند. **جریمه‌های تسهیلات** فوق به صورت جداگانه محاسبه و در انتهای دوره بازپرداخت و در صورت انجام تعهدات به موقع بنگاه تولیدی، **مشمول بخشودگی می‌گردد.** [...].

ماده ۲۰ همان قانون نیز دولت را مکلف می‌کند که نرخ و فرآیند تسویه بدهکاران ارزی را نیز مشخص کند که البته منظور ارایه مشوق به آن‌ها برای تسویه بدهی است. لازم به ذکر است در شرایط تورم دو رقمی، تعویق پرداخت بدهی موجب کاهش ارزش واقعی آن می‌شود و بانک‌ها برای جبران این کاهش، ناگزیر جریمه تأخیر وضع می‌کنند. با بخشودگی جریمه و تمدید مهلت بازپرداخت، عملاً ارزش بدهی کاهش یافته و بانک‌ها متضرر می‌شوند، در حالی که بدهکار منتفع می‌شود. این نوع کمک‌ها قابل محاسبه نبوده و به حساب نیز نمی‌آیند و از جمله هزینه‌های پنهان رفاه شرکتی هستند.

۱. مشخص نیست چرا قانون‌گذار چنین نام طولی را برگزیده است!

الف-۸) حمایت از سرمایه‌گذاری خطرپذیر

یکی از ویژگی‌های رفاه شرکتی در مصوبات مجلس، پویایی آن در انطباق با نیازهای به‌روز شرکت‌ها است. برای مثال، سرمایه‌گذاری خطرپذیر موضوعی به نسبت متاخر است که در اوایل دهه نود خورشیدی وارد فضای کسب‌وکار ایران شد؛ اما علی‌رغم جدید بودن آن شاهد هستیم که کمک به این نوع سرمایه‌گذاری از همان ابتدا در قوانین مصوب مجلس عینیت می‌یابد. برای نمونه، بند «ج» تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۳ تصریح می‌کند:

به‌منظور توسعه و ارتقای بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور [...] به دستگاه‌های وابسته وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می‌شود با تأیید وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تا مبلغ ۹۰۰ میلیارد ریال از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌های سرمایه‌ای خود را به‌صورت وجوه اداره شده و سرمایه‌گذاری خطرپذیر برای کمک و حمایت از پروژه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای اشتغال‌آفرین و یا صادرات کالا و خدمات در این بخش توسط بخش‌های خصوصی و تعاونی به صورت تسهیلات [...] اختصاص دهند و مابه‌التفاوت نرخ سود را از محل آن پرداخت نمایند.

مشابه همین قانون در بند «ب» تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ نیز، گنجانده می‌شود با این تفاوت که مبلغ کمک به یک‌هزار و دویست میلیارد ریال افزایش می‌یابد. متن فوق با افزایش مبلغ به یک هزار و چهارصد میلیارد ریال عیناً در بند «ج» تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۶، و بند «ب» تبصره ۱۸ قانون بودجه سال‌های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ تکرار می‌شود. نکته جالب آن است که در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ علاوه بر وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت نفت هم متقاضی سرمایه‌گذاری خطرپذیر می‌شود. بر همین اساس، بند «د» تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ به شرکت‌های تابعه وزارت نفت اجازه داده می‌شود با تأیید وزیر نفت تا مبلغ هشت هزار میلیارد ریال برای کمک به سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر به‌صورت کمک بلاعوض یا تسهیلات ترجیحی هزینه کنند.

الف-۹) تضمین اصل و سود تسهیلات دریافتی

الزام دستگاه‌های دولتی به تضمین اصل و سود تسهیلات دریافتی شرکت‌ها از نظام بانکی یکی دیگر از گونه‌های کمک به شرکت‌ها در مصوبات مجلس است. برای نمونه، بند ۳ ماده واحده «قانون تسریع در امر تخلیه و بارگیری کشتی‌ها در بنادر» مصوب ۱۳۹۵ تصریح می‌کند:

به سازمان بنادر و دریانوردی اجازه داده می‌شود تسهیلات ارزی و ریالی دریافتی توسط بخش‌های خصوصی، تعاونی و مؤسسات عمومی غیردولتی از بانک‌ها، صندوق توسعه ملی و مؤسسات مالی و اعتباری را که صرفاً جهت تأمین تجهیزات تخلیه و بارگیری و سرمایه‌گذاری در بنادر کشور دریافت می‌شود مشروط بر مالکیت سازمان بر عرصه محلی که سرمایه‌گذاری در آن صورت می‌گیرد از منابع داخلی خود تضمین نماید.

اولاً مشخص نیست که ارتباط تضمین تسهیلات با وظایف سازمان بنادر و دریانوردی چیست. ثانیاً در صورت نكول، این سازمان باید از منابع عمومی بدهی را پرداخت کند. ثالثاً، شرایط احراز، شرکت‌های مشمول و سقف مجاز تضمین نامشخص است.

الف-۱۰) جبران هزینه‌های تولید

جبران هزینه‌های تولید از دیگر اشکال کمک به شرکت‌ها است. برای نمونه، ماده ۲ «قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی» مصوب ۱۳۸۶ تصریح می‌کند:

جهت حمایت از صادرات صنعتی، دولت موظف است مبلغی را به‌منظور جبران بخشی از هزینه‌های صادراتی کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای، اجزاء و قطعات و مجموعه‌های تولید و خدمات فنی و مهندسی کشور [...]، در بودجه‌های سالانه پیش‌بینی و به صادرکنندگان محصولات فوق‌الذکر حداکثر سه ماه از تاریخ صادرات پرداخت نماید. [...]

مشابه موارد قبل، این قانون فاقد هدف‌گذاری و سازوکار ارزیابی اثربخشی جبران هزینه‌ها در افزایش صادرات است. همچنین، بار مالی آن مشخص نیست و استراتژی توسعه صادرات، گروه‌های کالایی، و زنجیره تأمین موردنظر نامعلوم‌اند. جبران هزینه‌های تولید با عبارتی هم‌چون **جبران هزینه‌های تحقیقاتی** شرکت‌ها نیز در مصوبات مجلس آمده است. برای نمونه، ماده ۴ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مصوب ۱۳۹۴ به دولت اجازه می‌دهد که از محل اعتبارات بودجه‌های سنواتی تا پنجاه درصد هزینه‌های تحقیقاتی یا ارتقای وضعیت محیط زیستی واحدهای تولیدی را جبران کند. مجدداً سقفی برای این کمک در نظر گرفته نشده و کمک اعطایی فاقد اولویت‌بندی از لحاظ آلاینده‌گی صنایع است.

الف-۱۱) جوایز و مشوق‌های صادراتی

جوایز و مشوق‌های صادراتی و جبران خسارت نیز از دیگر حوزه‌های اعطای کمک به شرکت‌ها هستند که در قوانین بودجه سالانه، منابع مالی به آن‌ها اختصاص یافته است. برای نمونه، طبق جزء ۲ بند «ج» تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۳۸۴، پنجاه درصد (۵۰٪) اعتبار موضوع ردیف ۲۸۰۹۶۱ با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای بخشی از **یارانه‌های صادراتی و جبران خسارات نوسانات نرخ ارز** سال ۱۳۷۹ به صادرکنندگان اختصاص می‌یابد. همچنین، براساس جزء ۴ بند «د» تبصره ۱۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۵ بیست درصد (۲۰٪) منابع حاصل از اجرای بند «الف» همان تبصره باید جهت ارایه مشوق‌ها و زیرساخت‌های صادراتی هزینه شود. در مواردی نیز بانک مرکزی موظف شده است با اتخاذ «**تدابیر تشویقی و تنبیهی**» نظام بانکی را به تأمین تسهیلات مدنظر قانون ملزم کند. برای نمونه، ماده ۲۱ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مصوب ۱۳۹۴ برای تأمین سرمایه در گردش موردنیاز شرکت‌ها سازوکاری به عنوان «**حساب ویژه**» را طراحی و پیش‌بینی می‌کند که در نوع خود ابداعی در حوزه اشکال رفاه شرکتی است. «حساب ویژه» در واقع حسابی است که شرکت‌ها درآمد حاصل از فروش خود را به آن حساب منتقل می‌کنند و هزینه‌کرد خود را نیز از آن حساب انجام می‌دهند. چنانچه موجودی حساب کفاف مخارج را ندهد بانک سطحی از اعتبار برای آن شرکت در نظر می‌گیرد و آن شرکت می‌تواند علی‌رغم کسری یا فقدان موجودی تا سقف اعتبار اعطایی، آن حساب را بدهکار نماید. در راستای الزام نظام بانکی به تدارک چنین امکانی برای شرکت‌های متقاضی، جزء «ث» ماده ۲۱ آن قانون حکم می‌کند که:

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است **تدابیر تشویقی و تنبیهی** لازم را برای الزام کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در راستای تأمین سرمایه در گردش واحدها [...] اتخاذ نموده، هر شش ماه یک بار، گزارش عملکرد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در این خصوص را به کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارایه کند.

از این قوانین این‌گونه مستفاد می‌شود، البته به صورت کاملاً خوش‌بینانه که گویی از منظر قانون‌گذار تنها مشکل بخش تولید، کمبود نقدینگی و سرمایه مالی است و صرفاً با تصویب انواع مختلف قانون جهت اعطای وام و تسهیلات و غیره به چشم برهم‌زدنی تولید ده چندان شده و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد و نه نیازی به یک برنامه جامع توسعه صنعتی است و نه ضرورتی به هدف‌گذاری مشخص است و نه نیازی به پایش و ارزیابی اثربخشی منابع تخصیص داده شده وجود دارد.

الف-۱۲) قیمت‌گذاری و اعطای یارانه انرژی

از دیگر اشکال جالب توجه کمک‌ها در قوانین مجلس، **تعیین سقف قیمت برای فروش برق** به شرکت‌های صنعتی و **اعطای یارانه سوخت** به نیروگاه‌های خصوصی است. ماده ۵ «قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی» مصوب ۱۳۸۶، به شرح زیر، از شورای اقتصاد می‌خواهد که قیمت برق در ساعات پیک یا پرباری را به‌گونه‌ای تعیین کند که متوسط قیمت برق واحدهای صنعتی از قیمت برق در ساعات عادی بیش‌تر نشود:

شورای اقتصاد موظف است، قیمت برق در ساعت‌ها و فصول اوج و ساعت‌ها و فصول کم باری را به گونه‌ای تعیین نماید که متوسط قیمت برق واحدهای صنعتی از نرخ در ساعات عادی تجاوز ننماید و منحصراً موجب کاهش مصرف در ساعات اوج گردد.

از طرف دیگر، ماده ۶ همان قانون، به شرح زیر، وزارت نیرو را مکلف می‌کند که قیمت برق مصرفی واحدهای صنعتی و معدنی از یک و دو دهم برابر قیمت خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی با احتساب کلیه هزینه‌ها بیش‌تر نشود. در واقع، منظور این قانون این است که وزارت نیرو تنها می‌تواند برق خریداری شده از نیروگاه‌های خصوصی را حداکثر با ۲۰ درصد افزایش قیمت به واحدهای صنعتی و معدنی بفروشد. افزون بر این، تبصره همان ماده نیز جالب توجه است. تبصره ماده ۶ در واقع یارانه‌ای را متوجه نیروگاه‌های خصوصی می‌کند. طبق این تبصره، نه تنها قیمت سوخت نیروگاه‌های خصوصی معادل نیروگاه‌های دولتی تعیین می‌شود بلکه نیروگاه‌های خصوصی مشمول هرگونه یارانه، تخفیف و نظایر آن که به نیروگاه‌های دولتی اختصاص می‌یابد نیز می‌شوند! چرا؟! معلوم نیست:

قیمت سوخت نیروگاه‌های بخش‌های غیردولتی نباید از قیمت سوخت نیروگاه‌های دولتی بیشتر محاسبه شود و **هرگونه یارانه پرداختی و یا اعمال تخفیف و نظایر آن در قیمت سوخت** تحویلی به نیروگاه‌های دولتی به هر شکل و طریق، عیناً باید به نیروگاه‌های بخش‌های غیردولتی نیز تعلق گیرد.

در مورد دیگری، تبصره بند «ب» ماده ۱ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸ قیمت گاز مصرفی واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی را برای حداقل ۱۰ سال معادل ۶۵ درصد قیمت صادراتی تعیین می‌کند:

جهت تشویق سرمایه‌گذاری، قیمت خوراک واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی برای مدت حداقل ده سال پس از تصویب این قانون هر مترمکعب حداکثر شصت و پنج درصد (۶۵٪) قیمت سبد صادراتی در مبدأ خلیج فارس (بدون هزینه انتقال) تعیین می‌گردد.

نحوه پایش و ارزیابی تاثیر این تخفیف بر رشد سرمایه‌گذاری مشخص نیست. افزون بر آن، اهداف، مناطق، و صنایع هدف نامشخص‌اند، و مسوولیت نظارت بر تحقق اهداف این قانون نیز تعیین نشده است. یکی دیگر از نمونه‌های اعطای یارانه یا تخفیف حامل‌های انرژی تبصره ۳ ماده ۱۳ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مصوب ۱۳۹۴ است. طی این تبصره، به شرح زیر، به وزارت نفت و سایر دستگاه‌ها اجازه داده می‌شود با هدف بازایابی و جلب کشتی‌های خارجی، سوخت موردنیاز آن‌ها را با قیمت‌های ترجیحی ارایه کنند:

به وزارت نفت و سایر دستگاه‌ها اجازه داده می‌شود برای تشویق کشتی‌های خارجی به سوخت‌گیری و تأمین سایر نیازهای خود در بنادر ایران از ابزارهای تشویقی و قیمت‌های ترجیحی نسبت به سایر رقبا در تأمین سوخت و سایر نیازها استفاده کنند. عبارت «ابزارهای تشویقی» در این قانون مبهم است و سازوکار اجرا، میزان تخفیف، و قیمت ترجیحی مشخص نیست. میزان مجاز کاهش قیمت سوخت و معیارهای واجد شرایط بودن نامشخص است. اهداف کمی (آیا هدف این است که سالانه ۱۰ درصد سوخت‌گیری کشتی‌های خارجی در بنادر ایران اضافه شود یا مثلاً ۲۰ درصد)، معیارهای مقایسه، و نهاد مسوول پایش و ارزیابی نیز تعیین نشده‌اند. علاوه بر این، میزان کاهش درآمد دولت از محل این تخفیف‌ها و منافع حاصل از آن نیز مشخص نیست. یکی دیگر از انواع کمک‌های جالب توجه در مصوبات مجلس، اعطای یارانه انرژی به حمل هوایی محصولات کشاورزی است. یک مثال مشخص در این زمینه، بند «م» تبصره ۱ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ به شرح زیر است:

سازمان برنامه و بودجه کشور موظف است به منظور حمایت از توسعه صادرات محصولات کشاورزی به‌ویژه به کشورهای همسایه و اتحادیه اوراسیا، نسبت به تأمین مالی یارانه حمل‌ونقل هوایی (محاسبه قیمت سوخت هواپیماهای باری حامل محصولات کشاورزی به مقاصد فوق معادل با نرخ سوخت تحویلی به هواپیماهای مسافربری) به میزان بیست درصد (۲۰٪)

اعتبارات جواز و مشوق‌های صادراتی و همچنین دو هزار میلیارد ریال از محل درآمدهای حاصل از حقوق ورودی [...] اقدام نماید.

بسیار باعث شگفتی است که این نوع کمک در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ گنجانده شده است در حالی که حذف یا کاهش یارانه‌های انرژی یکی از اولویت‌های حاکمیت در دو دهه گذشته بوده و حذف یارانه بنزین در سال ۱۳۹۸، یعنی حدود یک سال پیش از تصویب این قانون، منجر به یکی از بزرگترین ناآرامی‌های اجتماعی در کشور شد. لذا مجموعه حاکمیت اعم از دولت و مجلس می‌باید نسبت به اعطای هرگونه یارانه انرژی به شدت حساس می‌بودند. هم‌چون سایر موارد، این ماده قانونی نیز بسیار کلی و مبهم است. معلوم نیست کدام طیف از محصولات کشاورزی و کدام کشورها مدنظر هستند؛ چرا این محصولات انتخاب شده‌اند و کدام اهداف ملی و استراتژیک اعطای چنین یارانه‌ای را ضرورت بخشیده است.

الف-۱۳) مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری

مشارکت دادن ساخت‌یافته بخش خصوصی در فرآیند تصمیم‌گیری دستگاه‌های دولتی هم از دیگر اشکال حمایت از شرکت‌ها در قوانین است. برای نمونه، ماده ۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰ دستگاه‌های اجرای را مکلف می‌کند تا «هنگام تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها و رویه‌های اجرایی، نظر تشکلهای اقتصادی ذی‌ربط را استعلام کنند و مورد توجه قرار دهند». علاوه بر موارد فوق، طی ماده ۱۱ همین قانون، **شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی** تشکیل می‌شود که از جمله وظایف آن «پیشنهاد اصلاح، حذف یا وضع مقررات اعم از آیین‌نامه، بخشنامه، دستورالعمل، شیوه‌نامه یا رویه اجرایی در جهت بهبود محیط کسب و کار» است. همچنین، ماده ۷ «قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی» مصوب ۱۳۸۹ دستگاه‌های اجرایی را ملزم کرده تا نماینده تشکلهای موردنظر این قانون را به جلسات تصمیم‌گیری دعوت کنند. مضاف بر آن، ماده ۵۳ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مصوب ۱۳۹۴، وزارت جهاد کشاورزی را ملزم می‌کند تا امکان حضور نمایندگان بخش کشاورزی را در هیات‌های استانی و ملی فراهم کند.

الف-۱۴) وضع تعرفه گمرکی

از دیگر اشکال کمک‌ها **وضع تعرفه گمرکی** است. این نوع حمایت با واژگان مختلف در اکثر قوانین دوره مورد بررسی به‌نوعی بازتاب یافته است و به‌حدی مورد تأکید قانون‌گذار بوده که در دهه ۹۰ خورشیدی دو قانون مجزا (یکی، «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم» مصوب سال ۱۳۹۱ و دیگری، «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» مصوب ۱۳۹۸) برای آن به تصویب رسیده است. با این حال، در سایر قوانین نیز به این موضوع پرداخته شده است. برای نمونه، ماده ۱۳ «قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷» مصوب ۱۳۸۴ مقرر کرده است:

[...] برای حفاظت مؤثر و به موقع از محصولات داخلی که در معرض لطمه ناشی از کاهش قیمت غیرمتعارف محصولات مشابه خارجی قرار می‌گیرند، به دولت اجازه داده می‌شود [...] ظرف ده روز به شرح زیر اقدام نماید: ۱- از محصولات خارجی که با قیمت غیرمتعارف و یا تسهیلات غیر عادی به کشور وارد می‌شوند **مابه‌التفاوت اخذ نماید**. ۲- **سیاست‌های جبرانی و ضد بازار شکنی لازم را اتخاذ و اجراء نماید**.

هم‌چنین، گاهی برای حمایت از تولید شرکت‌های داخلی در برابر رقبای خارجی تعرفه وادرات وضع شده است. برای نمونه، ماده ۱۲ «قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی» مصوب ۱۳۸۶ برای واردات تلفن همراه، لوازم برقی خانگی و سایر وسایل برقی تعرفه وضع کرده است. در همین راستا، برای حمایت از تولیدات دامی کشور، ماده ۱۱ قانون نظام جامع دامپروری کشور مصوب ۱۳۸۸ دولت را مکلف به وضع تعرفه برای واردات دام زنده، گوشت تازه و منجمد و شیر کرده است به گونه‌ای که

نرخ مبادله به نفع تولیدکنندگان داخل کشور باشد. همین رویکرد نیز عینا برای تولیدات کشاورزی در ماده ۱۶ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹ عینیت یافته است. تبصره ۲ ماده ۲۸ همان قانون نیز، دولت را موظف به وضع تعرفه بر واردات ماشین‌آلات کشاورزی برای حمایت از تولیدات داخلی کرده است. با این حال، این کمک‌ها و حمایت‌ها نامشروط بوده و به یک برنامه صنعتی مشخص برای ارتقای توان رقابتی صنایع وابسته نیستند و وضعیت پایش و رصد آن‌ها نیز نامشخص است.

جدول ۱، نمایی کلی از قوانین مورد بررسی در این تحقیق و انواع کمک‌های اعطایی به شرکت‌ها طی این قوانین را نشان می‌دهد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد و اطلاعات جدول نیز گواه آن است، کمک‌های اعطایی بازتاب یافته در قوانین از تنوع قابل توجهی برخوردارند. به‌طوری‌که اعطای تسهیلات بانکی پررنگ‌ترین مورد از کمک‌ها است حتی مواردی چون حمایت از سرمایه‌گذاری خطرپذیر و تأمین سرمایه در گردش نیز نهایتاً از جنس اعطای تسهیلات هستند. اگرچه مواردی مانند اعطای یارانه انرژی، تعیین سقف قیمت، تضمین سود تسهیلات، حساب ویژه بانکی، وضع تعرفه و غیره نیز به‌عنوان ابزارهای مکمل برای کمک به شرکت‌ها وجود دارند.

جدول ۱ - فهرست قوانین مورد بررسی و انواع کمک‌ها و یا حمایت‌های مصوب در آن‌ها

نام قانون	تاریخ تصویب	مواد مرتبط	انواع کمک‌ها و یا حمایت‌ها
قانون بودجه سال ۱۳۷۸	۱۳۷۷/۱۱/۱۳	بند «د» تبصره ۴۳	ریسک‌زدایی از فعالیت اقتصادی (تسهیلات قرض‌الحسنه و تبدیل آن به کمک بلاعوض در صورت ناموفق بودن عملیات اکتشاف معدن)
قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانک‌ها و دستگاه‌ها و سایر مؤسسات و شرکت‌های دولتی به‌منظور تسهیل امر سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر در طرح‌های تولیدی و صادراتی	۱۳۸۰/۰۳/۲۷	ماده واحده	تسهیل شرایط اعطای تسهیلات
قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۸۲/۰۵/۲۶	ماده ۱۲	بخشودگی جرمه‌های تأمین اجتماعی
قانون بودجه سال ۱۳۸۴	۱۳۸۳/۱۲/۲۵	بند «ذ» تبصره ۲	اعطای تسهیلات با نرخ ترجیحی (یارانه سود تسهیلات)
		بند «الف» تبصره ۴	اعطای تسهیلات و پیش‌بینی امکان بلاعوض شدن
		جزء ۲ بند «ج» تبصره ۸	یارانه‌های صادراتی و جبران خسارات نوسانات نرخ ارز
قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷	۱۳۸۴/۰۸/۱۵	ماده ۱۳	حمایت از ساخت داخل
قانون بودجه سال ۱۳۸۵	۱۳۸۴/۱۲/۲۵	بند ۱۶ تبصره ۲	اعطای تسهیلات
		بند «الف» تبصره ۴	اعطای تسهیلات و پیش‌بینی امکان بلاعوض شدن
		بند «ز» تبصره ۴	اعطای تسهیلات و پیش‌بینی امکان بلاعوض شدن
قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجراء طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها	۱۳۸۶/۰۴/۰۵	ماده ۱	تسهیل شرایط اعطای تسهیلات
قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی	۱۳۸۶/۰۵/۰۷	ماده ۲	جبران هزینه‌های تولید
		ماده ۵ و ۶	تعیین سقف قیمت برای فروش برق
		تبصره ماده ۶	اعطای یارانه به نیروگاه‌های خصوصی
		بند «د» ماده ۱۰	تسهیل شرایط اعطای تسهیلات
		ماده ۱۲	وضع تعرفه گمرکی
قانون بودجه سال ۱۳۸۸	۱۳۸۷/۱۲/۲۶	جزء «د» بند ۶	اعطای تسهیلات با نرخ ترجیحی
قانون نظام جامع دامپروری کشور	۱۳۸۸/۰۵/۰۷	ماده ۱۱	وضع تعرفه گمرکی
قانون هدفمندی یارانه‌ها	۱۳۸۸/۱۰/۱۵	تبصره بند «ب» ماده ۱	اعطای تخفیف برای فروش گاز

اعطای زمین و تسهیلات برای ایجاد و گسترش واحدهای تولید نان صنعتی	ماده ۶		
اعطای تسهیلات	جزء «ل» بند ۸	۱۳۸۸/۱۲/۲۴	قانون بودجه سال ۱۳۸۹
اعطای تسهیلات	تبصره ۲ ماده‌ی ۶	۱۳۸۹/۰۴/۲۳	قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی
حمایت و پشتیبانی	تبصره ۳ ماده‌ی ۶		
مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری	ماده ۷		
وضع تعرفه گمرکی	ماده ۱۶		
افزایش سرمایه در بانک کشاورزی برای اعطای تسهیلات	ماده ۲۰		
وضع تعرفه گمرکی	تبصره ۲ ماده ۲۸		
اعطای تسهیلات	جزء «الف» بند ۱۹	۱۳۹۰/۰۲/۱۹	قانون بودجه سال ۱۳۹۰
مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری	ماده ۳	۱۳۹۰/۱۱/۱۶	قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار
مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری	ماده ۱۱		
تأمین سرمایه در گردش	جزء ۳ بند ۷	۱۳۹۱/۰۲/۳۱	قانون بودجه سال ۱۳۹۱
ریسک‌زدایی از فعالیت‌های اقتصادی (جبران زیان واردکننده یا صادرکننده)	بند ۱۰		
بخشودگی جریمه‌های تأمین اجتماعی	ماده ۱۳	۱۳۹۱/۰۵/۰۱	قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم
تأمین سرمایه در گردش	بند ۸	۱۳۹۲/۰۳/۱۹	قانون بودجه سال ۱۳۹۲
بخشودگی جریمه‌های مالیاتی	بند ۷۴		
تأمین سرمایه در گردش	بند «ص» تبصره ۵	۱۳۹۲/۱۲/۰۶	قانون بودجه سال ۱۳۹۳
اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر	بند «ج» تبصره ۱۲		
اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر	بند «ب» تبصره ۱۲	۱۳۹۳/۱۲/۲۴	قانون بودجه سال ۱۳۹۴
ممانعت از ممنوع الخروجی بدهکاران تأمین اجتماعی	تبصره ماده ۳	۱۳۹۴/۰۲/۰۱	قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور
جبران هزینه‌های تحقیقاتی	ماده ۴		
ارایه سوخت با نرخ ترجیحی	تبصره ۳ ماده ۱۳		
امهال و تقسیط بدهی	ماده ۲۰ و ۲۳		
حساب ویژه	ماده ۲۱		
تدابیر تشویقی و تنبیهی برای بانک‌ها در جهت اجرای موضوع حساب ویژه	جزء «ث» ماده ۲۱		
مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری	ماده ۵۳		
تضمین اصل و سود تسهیلات دریافتی	بند ۳ ماده واحده	۱۳۹۵/۰۲/۲۰	قانون تسریع در امر تخلیه و بارگیری کشتی‌ها در بنادر
ارایه مشوق‌ها و زیرساخت‌های صادراتی	جزء ۴ بند «د» تبصره ۱۴	۱۳۹۵/۰۲/۲۷	قانون بودجه سال ۱۳۹۵
اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر	بند «ج» تبصره ۱۸	۱۳۹۵/۱۲/۲۴	قانون بودجه سال ۱۳۹۶
امکان بخشودگی جریمه‌های دیرکرد بازپرداخت تسهیلات	بند «و» تبصره ۱۶	۱۳۹۶/۱۲/۲۷	قانون بودجه سال ۱۳۹۷
اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر	بند «ب» تبصره ۱۸		
اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر	بند «ب» تبصره ۱۸	۱۳۹۷/۱۲/۲۶	قانون بودجه سال ۱۳۹۸
حمایت از ساخت داخل	تمام مواد	۱۳۹۸/۰۲/۱۵	قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی
اعطای برخی مزایا برای تسویه بدهی بدهکاران بانکی	ماده واحده	۱۳۹۸/۰۶/۱۱	قانون تسهیل تسویه بدهی بدهکاران شبکه بانکی کشور
اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر	بند «ب» تبصره ۱۸	۱۳۹۸/۱۲/۲۶	قانون بودجه سال ۱۳۹۹
پارانه انرژی به حمل هوایی محصولات کشاورزی	بند «م» تبصره ۱	۱۳۹۹/۱۲/۲۷	قانون بودجه سال ۱۴۰۰
بخشودگی مالیات	جزء ۲ بند «ق» تبصره ۶		
اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر	بندهای «ب» و «د» تبصره ۱۸		

باتوجه به روند زمانی قوانین مندرج در جدول ۱ می‌توان سه دوره مشخص از حمایت قانونی از شرکت‌ها را شناسایی کرد. دوره اول از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ است. در این دوره کمک‌ها محدود بوده و کلاً در ۴ قانون مختلف بازتاب یافته‌اند. دوره دوم از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ است. این دوره نشان‌گر یک جهش کمی و کیفی قابل توجه در میزان و تنوع کمک‌های اعطایی به شرکت‌ها است. تعداد قوانین حاوی مواد حمایتی از شرکت‌ها به ۱۴ مورد افزایش یافته و اشکال متنوع‌تری از کمک‌ها پدیدار می‌شوند. نکته مهم دیگر آن‌که در این دوره حداقل ۴ قانون جدید شامل (۱) «قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجراء طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانک‌ها»، (۲) «قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی»، (۳) «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار»، (۴) «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم» مصوب می‌شود که عناوین آن‌ها کاملاً در راستای حمایت از شرکت‌ها است. بگذریم که در این دوره اشکال جدیدی از کمک‌ها مانند مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها یا اعطای یارانه به نیروگاه‌های خصوصی ایجاد می‌شود. دوره سوم نیز از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ است. در این دوره نیز در مجموع ۱۳ قانون وجود دارند که در آن‌ها به نحوی به رفاه شرکتی پرداخته شده است و از این میان عنوان سه قانون شامل «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی»، و «قانون تسهیل تسویه بدهی بدهکاران شبکه بانکی کشور» کاملاً در راستای کمک به شرکت‌ها هستند. در این دوره، حمایت از سرمایه‌گذاری خطرپذیر شاه بیت کمک‌های اعطایی است اگرچه نوآوری‌هایی همچون حساب ویژه و اعطای یارانه به حمل‌ونقل هوایی محصولات کشاورزی نیز دیده می‌شود. بررسی روند طی‌شده نشان می‌دهد که سیاست‌های رفاه شرکتی در ایران با گذر زمان هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت توسعه یافته‌اند و به‌مرور، به سمت مجموعه‌ای متنوع از سیاست‌های حمایتی حرکت کرده‌اند.

ب) تأمین مالی طرح‌های رفاه شرکتی و رفاه اجتماعی

همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، تأمین مالی رفاه شرکتی معمولاً یا به‌طور مستقیم از منابع عمومی انجام می‌شود، یا از طریق روش‌های غیرمستقیم مانند معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی، یارانه‌ها، و تخفیف در فروش دارایی‌های ملی مانند زمین و گاز. اگرچه مقایسه رفاه شرکتی و رفاه اجتماعی هدف اصلی این پژوهش نیست، اما بررسی چند نمونه از شیوه‌های تأمین مالی برنامه‌های رفاه اجتماعی در قوانین بودجه می‌تواند تصویر روشنی از تفاوت‌های میان این دو حوزه ارائه دهد. برای نمونه، ماده ۳۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۷ اشعار می‌دارد:

به‌منظور تأمین اعتبار برای پرداخت تسهیلات به زندانیان نیازمند در محکومیت‌های مالی جرائم غیرعمدی مانند دپه و امثال آن مبلغ یک هزار و دویست میلیارد ریال از محل وجوه قرض‌الحسنه بانک‌ها اختصاص و در اختیار ستاد مردمی رسیدگی به امور دپه و کمک به زندانیان نیازمند قرار می‌گیرد.

همان‌طور که از متن قانون مشخص است تأمین مالی پرداخت تسهیلات به زندانیان نیازمند نه از محل منابع عمومی بلکه از محل وجوه قرض‌الحسنه بانک‌ها که عموماً پس‌اندازهای مردم است، انجام می‌شود. این موضوع در ماده ۸۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۱ نیز تکرار شده است. در بخش قبل دیدیم که کمک‌های بلاعوض به شرکت‌ها اصلاً موضوع غریبی نیست؛ اما علی‌رغم این‌که زندانیان عموماً از ضعیف‌ترین اقشار جامعه هستند، در متن قانون اشاره‌ای به بلاعوض شدن تسهیلات نمی‌شود. در مورد دیگری، در تبصره ماده ۷۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود که پروژه‌های نیمه‌تمام دولتی را با استفاده از مشارکت خیرین مدرسه‌ساز تکمیل نماید. در حالی‌که اگر آموزش اولویت دولت می‌بود باید از محل منابع عمومی، بودجه‌ای را برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام آموزش و پرورش تخصیص می‌داد. برنامه‌های امدادی مانند خدمات اورژانس

یکی از ارکان برنامه‌های رفاه اجتماعی هستند. نحوه تأمین مالی آمبولانس مورد نیاز اورژانس کشور نیز در نوع خود جالب توجه است. براساس بند «ب» تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴، تأمین مالی خرید آمبولانس به صورت زیر انجام می‌شود:

عوارض واردات خودروهای سواری به میزان پنج درصد (۵٪) قیمت تحویل روی کشتی در مبدأ (قوب) افزایش می‌یابد. درآمد حاصله پس از واریز به حساب خزانه داری کل کشور تا سقف یک هزار و پانصد میلیارد (۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌منظور تأمین آمبولانس مورد نیاز اورژانس کشور در اختیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار می‌گیرد.

در مواردی نیز دولت برخی از برنامه‌های رفاه اجتماعی را مستقیماً از جیب عموم مردم تأمین مالی می‌کند. در همین زمینه، بند «ز» تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ بسیار شگفت‌انگیز است:

کاروران (اپراتورهای) ارایه دهنده خدمات مخابراتی موظفند علاوه بر قیمت هر پیامک مبلغ ده (۱۰) ریال از استفاده کنندگان خدمات مزبور دریافت و به حساب درآمد عمومی ردیف ۱۶۰۱۵۴ نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند. درآمد حاصله متناسب با وصول از محل اعتبار ردیف ۱۴۰ - ۵۳۰۰۰۰ به شرح زیر به دستگاه‌های ذی ربط اختصاص می‌یابد:

۱- سی و پنج درصد (۳۵٪) به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران (بیست درصد (۲۰٪) جهت تأمین، تولید و کمک هزینه داروهای بیماران با اولویت بیماران صعب‌العلاج و سرطانی و پانزده درصد (۱۵٪) جهت افزایش اعتبارات سازمان امداد و نجات جهت خرید تجهیزات)

۲- بیست درصد (۲۰٪) به کمیته امداد امام خمینی (ره) جهت توانمندسازی نیازمندان تحت پوشش
۳- بیست درصد (۲۰٪) به سازمان بهزیستی کشور جهت کمک به تأمین هزینه‌های درمانی و تجهیزات توان‌بخشی افراد تحت پوشش

۴- پنج درصد (۵٪) جهت تحت پوشش قراردادن پنجاه درصد (۵۰٪) حق بیمه تأمین اجتماعی بسیجیان معسر

۵- پنج درصد (۵٪) به سازمان بیمه سلامت ایران جهت ارتقای پوشش تعهدات خدمات دندانپزشکی و خود مراقبتی کودکان و نوجوانان زیر چهارده سال

۶- پنج درصد (۵٪) به دانشگاه پیام نور جهت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای

۷- پنج درصد (۵٪) به سازمان پزشکی قانونی

۸- پنج درصد (۵٪) به سازمان انتقال خون ایران بابت تأمین تجهیزات و ملزومات پزشکی و آزمایشگاهی

چنین نوع تأمین مالی‌ای استثنا نیست. برنامه‌های حمایت از معلولان و ساماندهی کودکان کار و خیابانی نیز در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به‌همین ترتیب تأمین مالی شدند. برای نمونه، بند «ز» تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۹ مقرر کرده است:

کارور (اپراتور)های ارایه دهنده خدمات مخابراتی، علاوه بر قیمت هر پیامک مبلغ ده (۱۰) ریال از استفاده کنندگان خدمات مزبور دریافت و به حساب درآمد عمومی ردیف ۱۶۰۱۵۴ نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند. درآمد حاصله متناسب با وصول تا سقف هزار میلیارد ریال جهت اجرای مواد (۵) و (۸) قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ و ساماندهی کودکان کار و خیابانی در اختیار سازمان بهزیستی ردیف ۱۳۱۵۰۰ قرار می‌گیرد.

همان‌طور که مشاهده شد، تأمین مالی از طریق منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها به مرور به تأمین مالی از طریق دریافت مستقیم از مردم می‌انجامد. وقتی منابع عمومی کشور سخاوتمندانه و بدون برنامه و هدف‌گذاری در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهند یا با انواع

معافیت‌ها و بخشودگی‌ها از میزان آن‌ها کاسته می‌شود در نهایت برای برخی از برنامه‌های ضروری رفاه اجتماعی ناگزیر چنین ابداعاتی در قوانین بودجه صورت می‌گیرد. نکته دیگری که در متن قانون برجسته است تعیین سقف برای هزینه کرد است. در واقع، دولت اپراتورهای ارایه دهنده خدمات را ملکف می‌کند که از مشتریان خود به ازای هر پیامک ده ریال مازاد بر قیمت آن دریافت کند و به خزانه کشور واریز کنند تا بابت معلولان و سامان‌دهی کودکان کار و خیابانی در اختیار بهزیستی قرار گیرد اما فقط تا سقف هزار میلیارد ریال آن می‌تواند صرف معلولان و سامان‌دهی کودکان کار و خیابانی شود! مشخص نیست اگر منابع حاصل از اجرای این قانون از سقف تعیین شده فراتر رفت، دولت با مازاد آن چه می‌کند. آیا از محل آن به شرکت‌ها تسهیلات ترجیحی و یارانه سود تسهیلات اعطا می‌کند؟ در این صورت گویی مشتریان خدمات مخابراتی، رفاه شرکتی را تأمین مالی کرده‌اند!

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی قوانین مصوب مجلس نشان داد که رفاه شرکتی در ایران از تنوع جالب توجهی برخوردار است و طیف مختلفی از کمک‌ها و حمایت‌ها را در بر می‌گیرد و تأمین مالی آن‌ها عموماً متکی بر منابع عمومی است با این حال گاهی روش‌های غیرمستقیمی هم چون اعطای تخفیف در فروش حامل‌های انرژی به شرکت‌ها، یا اعطای زمین نیز وجود دارد. هم‌چنین، اگرچه در متن قوانین، حمایت از اشتغال‌زایی، توسعه صادرات، رشد اقتصادی و افزایش تولید از جمله اهداف بیان شده برای اعطای کمک‌ها هستند؛ اما محتوای آن‌ها حکایت از آن دارد که کمک‌ها فاقد یک استراتژی توسعه صنعتی و یا منطقه‌ای مشخص بوده و بیش‌تر جهت‌گیری مقطعی دارند و از پیوستگی لازم برخوردار نیستند. برای مثال رشته کمک‌هایی وجود ندارد که در طول یک دهه در تمام قوانین بودجه بازتاب یافته باشد و هدف آن ارتقای ظرفیت‌های رقابتی یک صنعت خاص در کشور باشد و سالانه موفقیت آن ارزیابی شود. به همین ترتیب، یک نظام پایش و ارزیابی اثربخشی به‌منظور اندازه‌گیری میزان موفقیت کمک‌ها در دستیابی به مقاصد مدنظر طراحی نشده است. مهم‌تر از همه کمک‌ها نامشروط هستند و گیرندگان در قبال دریافت کمک‌ها ملزم به ارائه تعهدی مانند ایجاد یک تعداد مشخص فرصت شغلی یا عدم خروج سرمایه از کشور و غیره ملزم نمی‌شوند. در مواردی نیز مبلغ کمک‌ها بسیار خیره‌کننده هستند و ارقام میلیارد دلاری را شامل می‌شوند. کمک‌ها اعطایی در هر قانونی بازتاب یافته‌اند، به‌گونه‌ای که در هر قانون می‌توان نوعی از کمک به شرکت‌ها را یافت و این موضوع نظام‌مند نشده است. از آن گذشته، کمک‌ها در متن مصوبات مجلس بسیار کلی هستند و اشاره‌ای به چگونگی تعیین مصادیق نمی‌شود. این موضوع، در خوش‌بینانه‌ترین حالت زمینه‌ساز تخصیص‌های سلیقه‌ای و امضاهای طلایی می‌شود. از آن گذشته، عدم تعریف سازوکاری مشخص برای شناسایی شرکت‌های دریافت‌کننده کمک به پرده‌پوشی و استتار می‌انجامد به‌نحوی که در نهایت شرکت‌های صاحب نفوذ در ساختار اداری دولت می‌توانند از این کمک‌ها بهره‌مند شوند و این موضوع، نه تنها بهبود توان رقابتی شرکت‌ها را در پی ندارد بلکه به تخریب سازوکار بازار نیز می‌انجامد افزون‌بر آن که خود موجد نابرابری در برخورداری و بهره‌مندی از کمک‌های دولتی نیز است. اگر فرضیه دخالت و اثرگذاری گروه‌های ذینفع بر تصمیمات دولت در خصوص اعطای کمک به شرکت‌ها را در نظر بگیریم، در خوش‌بینانه‌ترین حالت به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در ایران درکی سطحی و خطی از توسعه اشتغال، سرمایه‌گذاری و افزایش تولید و صادرات دارد زیرا ادبیات حوزه توسعه صنعتی حاکی از آن است که عوامل متعددی هم‌چون ثبات و اندازه بازار، طراحی و جامعیت سیاست‌های حمایتی و صنعتی، قابلیت‌های صنعتی، سرمایه انسانی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین، و انگیزه رقابتی در توسعه صنعتی و افزایش سطح اشتغال دخیل هستند (Hirani, Bagheri Moghadam, & Mosayebi, 2022). با این حال، قانون‌گذار صرفاً با تخصیص منابع مالی سعی دارد اهدافی چون اشتغال‌زایی و توسعه را محقق کند. نتایج نشان می‌دهد که قانون‌گذار توجه کافی به همه عوامل موثر نداشته و حمایت‌های موجود عمدتاً بر مداخله مستقیم شامل تخصیص منابع مالی استوار است و در مقابل، تقویت نهادی برای ایجاد محیطی مناسب جهت فعالیت سرمایه‌گذاران کمتر مورد توجه بوده است. در صورتی که برای دستیابی به یک رشد پایدار صنعتی نیاز به زیست‌بوم‌های دانش، نوآوری و کسب‌وکار (Sahebinejad, Mohammadi, Soltani, & Hosseinzadeh, 2024)

است و صرف تخصیص منابع آن هم به صورت کلی، بی‌هدف، مقطعی و پراکنده بدون ارزیابی اثربخشی و نیز عدم هماهنگی با سیاست‌های حوزه رفاه اجتماعی راه‌گشا نخواهد بود. همان‌طور که در بخش پیشینه تحقیق دیدیم، رفاه شرکتی موضوعی مختص به ایران نیست و دولت‌ها در کشورهای مختلف به روش‌های متعددی از شرکت‌ها حمایت می‌کنند و در مواردی نیز این حمایت‌ها بسیار قابل توجه هستند؛ اما تفاوت در نحوه هدف‌گذاری، تخصیص و ارزیابی اثربخشی نهفته است به گونه‌ای که در کشورهای صنعتی، غالباً در مورد کمک‌های مستقیم، گزارش‌های جامع و دقیقی از اهداف اولیه، میزان کمک‌های اعطایی، میزان فهرست گیرندگان کمک‌ها و تعهدات متقابل آن‌ها ارایه می‌شود. علاوه بر آن، پژوهش‌های متعددی در خصوص موفقیت یا شکست یک قانون یا برنامه‌ی حمایتی نیز انجام می‌شود. برای نمونه، گزارش نهایی دفتر بودجه کنگره آمریکا درباره برنامه نجات دارایی‌های مشکل‌دار نشان می‌دهد این برنامه که در جریان بحران مالی ۲۰۰۸ با هدف حفظ ثبات در نظام اقتصادی و مالی آمریکا تصویب شده بود، در مجموع حدود ۴۴۴ میلیارد دلار از سقف ۷۰۰ میلیارد دلاری مجاز خود را هزینه کرد و برآورد شده هزینه خالص این برنامه برای دولت فدرال آمریکا در مجموع حدود ۳۱ میلیارد دلار بوده است و مشخص گردیده که بخش قابل توجهی از این منابع صرف حمایت از بازار مسکن، شرکت‌های بیمه و صنعت خودروسازی شده است. گزارش همچنین تأکید می‌کند که نه تنها برنامه مزبور در تثبیت نظام مالی آمریکا موفق بوده بلکه سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در موسسات مالی - در قالب خرید دارایی‌های مشکل‌دار در هنگامه بحران مالی - عموماً سودآور بوده و برای خزانه‌داری ایالات متحده سود، بهره و بازده سرمایه به همراه داشته‌اند (Congressional Budget Office, 2024). در مورد دیگری، در آمریکا قانون «چیپس آو علم» با هدف تقویت تولید داخلی نیمه‌رساناها، کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین خارجی، به‌ویژه چین و ارتقاء رقابت‌پذیری فناوری در سال ۲۰۲۲ تصویب شد. این قانون مجموعاً ۲۸۰ میلیارد دلار برای تقویت صنعت نیمه‌رسانا و تحقیقات علمی در آمریکا اختصاص داده است (Congressional Research Service, 2023). با این که زمان زیادی از تصویب این قانون نگذشته است، گزارش‌های کاملی از هزینه‌کرد منابع در دسترس است و ارزیابی‌های متعددی در مورد میزان دستیابی به اهداف قانون انجام شده است. چنین روندی در مورد قوانینی که با رویکرد حمایت از شرکت‌ها در ایران تصویب می‌شوند حاکم نیست. علی‌رغم این که در دو دهه گذشته قوانین متعددی در راستای حمایت از شرکت‌ها تصویب شده‌اند اما نمی‌توان از میزان هزینه‌کرد و ارزیابی اثربخشی آن‌ها گزارشی مستند و مستدل یافت. در هر حال، بدیهی است در صورت فقدان هدف‌گذاری مشخص و عدم نظارت و شفافیت در هزینه‌کرد منابع، برنامه‌های رفاه شرکتی مستعد انحراف از مقصود سیاستگذار هستند.

References

1. Abedi Jafari, H., Taslimi, M., & Faghihi, A. (2011). Thematic analysis and theme network: A simple and efficient method for explaining patterns in qualitative data. *Strategic Management Thought*, 2(10), 151-198. [In Persian].
2. Alizadeh, P., Mokhtari Hasan Abad, S., & Sadat Rasoul, S. M. (2024). Analysis of the legal infrastructure of venture capital development in Iran. *Iranian Journal of Public Policy*, 10(3), 9-29. doi: 10.22059/jppolicy.2024.98668 [In Persian].
3. Amiri, J. (2015). Typology of the Islamic Republic of Iran's welfare system based on Anderson's three welfare states model. *Journal of Science and Technology Policy Letters*, 5(1), 5-13. doi: 20.1001.1.24767220.1394.05.1.1.7 [In Persian].
4. Badikhi, M., Masoud, G., & Atryan, F. (2022). Analysis of the welfare state in Iran's legal system. *Iranian Political Sociology Journal*, 5(6), 67-88. doi: 10.30510/psi.2022.286545.1727 [In Persian].
5. Barlett, D. L., & Steele, J. B. (1998, November 9). Corporate welfare: Corporate welfare. *TIME Magazine*.
6. Bashirimanesh, N., & Dehghani, Z. (2021). The effect of government support on innovation and social responsibility management. *Innovation Management*, 10(1), 45-74. doi: 20.1001.1.23225386.1399.9.4.3.7 [In Persian].
7. Bavandpour, A., Gholami, H., & Doagooyan, D. (2023). Analysis of the position of Iran's welfare state in welfare paradigms with an emphasis on legal standards and Legatum Report 2021 (from theory to practice). *Journal of Modern Research on Administrative Law*, 5(14), 13-43. doi: 10.22034/mral.2022.559256.1350 [In Persian].
8. Bennett, J. T. (2015). *Corporate welfare: Crony capitalism that enriches the rich* (1st ed.). Routledge.
9. Bowen, G. A. (2009). Document analysis as a qualitative research method. *Qualitative Research Journal*, 9(2), 27-40. doi: 10.3316/QRJ0902027
10. Bulfone, F., Ergen, T., & Kalaitzake, M. (2022). No strings attached: Corporate welfare, state intervention, and the issue of conditionality. *Competition & Change*, 27(2), 253-276. doi: 10.1177/102452942211011

1. Troubled Asset Relief Program (TARP)
2. CHIPS

۳. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : <https://www.nist.gov/chips>

11. Congressional Budget Office. (2024, April). Report on the Troubled Asset Relief Program.
12. Congressional Research Service. (2023, April 25). CHIPS Act of 2022: Provisions and implementation (CRS Report No. R47523).
13. Dawkins, C. E. (2002). Corporate welfare, corporate citizenship, and the question of accountability. *Business & Society*, 41(3), 269-291.
14. Davoudi, M. (2024). Social citizenship and the right to health: An introduction to the effects of adjustment and privatization policies on the health sector in the Islamic Republic of Iran. *Iranian Journal of Public Policy*, 10(4), 127-140. doi: 10.22059/jppolicy.2024.99830 [In Persian].
15. Edwards, C. (2017). Special-interest spending and corporate welfare. In Cato Institute, *Cato handbook for policymakers* (8th ed., pp. 543-549). Cato Institute.
16. Edwards, C. (2024, August 12). Corporate welfare breeds corruption. Cato Institute. Retrieved from <https://www.cato.org/blog/corporate-welfare-breeds-corruption>
17. Farnsworth, K. (2012). Social versus corporate welfare: Competing needs and interests within the welfare state. Policy Press.
18. Farnsworth, K. (2013a). Bringing corporate welfare in. *Journal of Social Policy*, 42(1), 1-22.
19. Fereday, J., & Muir-Cochrane, E. (2006). Demonstrating rigor using thematic analysis: A hybrid approach of inductive and deductive coding and theme development. *International Journal of Qualitative Methods*, 5(1), 80-92. doi: 10.1177/160940690600500107
20. Fuss, J., Hill, T., & Emes, J. (2024, March 13). Governments should end corporate welfare this budget season. Fraser Institute. Retrieved from <https://www.fraserinstitute.org/commentary/governments-should-end-corporate-welfare-budget-season>
21. Ghaffari, G., & Azizi-Mehr, K. (2012). Institutional approach and analysis of welfare policies in contemporary Iran. *Sociological Studies*, 19(1), 23-56. doi: 10.22059/jsr.2012.56172 [In Persian].
22. Glasberg, D. S., & Skidmore, D. (1997). Corporate welfare policy and the welfare state: Bank deregulation and the savings and loan bailout. Aldine Transaction.
23. Golab, S. (2018). A look at the components of the social welfare budget in Iran. Saba Retirement Strategies Institute. [In Persian].
24. Hashemi, M. Z., Ghazinoory, S., Sajadifar, M., Sahebkar Khorasani, M., & Moussavi, A. (2019). Evaluating effectiveness of governmental supports from knowledge-based biotechnology firms. *Modares Journal of Biotechnology*, 10(4), 681-697. doi: 10.1001.1.23222115.1398.10.4.18.6 [In Persian].
25. Hirani, H., Bagheri Moghadam, N., & Mosayebi, A. (2022). Factors increasing the local content and its achievements in the industrial development of countries: A systematic literature review. *Iranian Journal of Public Policy*, 8(2), 161-171. doi: 10.22059/jppolicy.2022.87995 [In Persian].
26. Holcombe, R. G. (2013). Crony capitalism: By-product of big government. *The Independent Review*, 17(4), 541-559. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/24563134>
27. Kettunen, H., & Ruonavaara, H. (2020). Rent regulation in 21st century Europe. Comparative perspectives. *Housing Studies*, 36(9), 1446-1468.
28. Landinfo. (2020). Iran: The Iranian welfare system. Norwegian Country of Origin Information Centre.
29. Maxwell, J. A. (2013). Qualitative research design: An interactive approach. SAGE Publications.
30. Moghaddasi, F., Mirzaie, H., Omid, R., & Hashemi, S. Z. (2024). The progressive privatization: Analyzing the education policy process in Iran. *Sociological Review (Social Science Letter)*, 31(2), 59-89. doi: 10.22059/jsr.2024.354318.1835 [In Persian].
31. Mohammadpour, A. (2013). Qualitative research method anti-method 2: Stages and practical procedures in qualitative methodology. Sociologists Publications. [In Persian].
32. Moore, S. D. (1999, May 1). Welfare for the well-off: How business subsidies fleece taxpayers. Hoover Institution. Retrieved from <https://www.hoover.org/research/welfare-well-how-business-subsidies-fleece-taxpayers>
33. Nader, R. (2000). Cutting corporate welfare. Seven Stories Press.
34. Offe, C. (1984). 'Crises of crisis management': Elements of a political crisis theory. In C. Offe & J. Keane (Eds.), *Contradictions of the welfare state*. Hutchinson.
35. Olson, P., & Champlin, D. (1998). Ending corporate welfare as we know it: An institutional analysis of the dual structure of welfare. *Journal of Economic Issues*, 32(3), 759-771.
36. Raheb, G. (2024). Essays on the role of governments in providing housing for low-income groups in Iran. Road, Housing, and Urban Development Research Center. [In Persian].
37. Rahnejat, M., & Negarestany, M. H. (2024). Educational justice in the light of the law on the establishment and administration of non-governmental schools and educational centers approved in 2015. *Iranian Journal of Public Policy*, 10(1), 143-157. doi: 10.22059/jppolicy.2024.97825 [In Persian].
38. Ryan, G. W., & Bernard, H. (2003). Techniques to identify themes. *Field Methods*, 15(1), 85-109. doi: 10.1177/1525822X02239569
39. Sahebnejad, M., Mohammadi, M., Soltani, A. M., & Hosseinzadeh, M. (2024). Comparative study of knowledge, innovation, and business ecosystems: A policy-oriented approach. *Iranian Journal of Public Policy*, 10(4), 155-172. doi: 10.22059/jppolicy.2024.99832 [In Persian].
40. Schlomach, B., Slivinski, S., & Hohman, J. (2019). Multilateral disarmament: A state compact to end corporate welfare. The Mackinac Center for Public Policy and 1889 Institute.
41. Sharifzadegan, M. H. (2016). Critical evaluation of welfare resource concepts and theories of Iranian welfare plans. *Journal of Iranian Social Research*, 5(1), 127-145. doi: 10.22059/jsr.2016.58380 [In Persian].
42. Slivinski, S. (2007). The corporate welfare state: How the federal government subsidizes U.S. businesses. Cato Institute.
43. Tajmazinani, A. (2011). Typology of welfare systems around the world. *Social Development and Welfare Planning*, 2(6), 203-234. [In Persian].
44. Toosi, A., & Kashani, J. (2019). Economic analysis of state legal interventions in lease relationships based on the idea of market efficiency and its failures. *Private Law Research*, 8(29), 159-190. doi: 10.22054/jplr.2019.37995.2065 [In Persian].